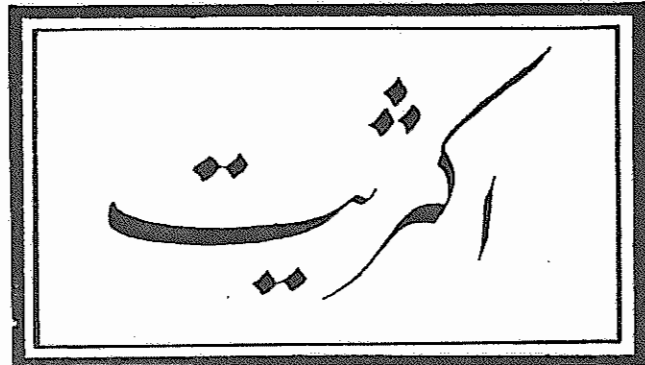


حمله وسیع اوباش و چاقوکشان رژیم به زنان برای اجرای طرح مبارزه با "بدحجابی"

* درگیری های محدود اما متعددی در تهران و شهرستانها بین مردم و ایادی رژیم بوقوع پیوست. در حملات اوباش رژیم تعداد زیادی از مردم دستگیر و زخمی شده اند.

* برخی گزارشها از تهران حکایت از کشته شدن چهار تن بر اثر ضربات چاقو توسط مامورین مبارزه با منکرات دارند.



دوشنبه ۳۱ اردیبهشت ۱۳۶۹ برابر با ۲۱ ماه ۳۰۵
ماه ۱۹۹۰ سال هفتم شماره

به دنبال نامه صدام حسین به رفسنجانی امید به شکست بن بست مذاکرات صلح افزایش یافت

سرانجام مذاکرات دو دولت ایران و عراق خبر ارسال نامه توسط رئیس جمهور عراق به رفسنجانی را تأیید کردند. سفیر عراق در سازمان ملل متحد طی گفتگویی در پانزدهم اردیبهشت ماه با رسانه های گروهی آمریکا اعلام داشت: "اخیرا صدام حسین نامه ای به هاشمی رفسنجانی نوشته است. این نامه پیرامون مذاکرات صلح است و باید به عنوان یک حرکت حسن نیت تلقی شود." وی در این مصاحبه همچنین متذکر شد که دولت متبوهش مایل به بحث پیرامون شناخت آغاز کننده جنگ و گناه طرفین نیست و باید این حرف را به کنار گذاشت. در کنار تأیید خبر ارسال نامه

توسط مقامات عراقی، از سوی حکومت جمهوری اسلامی نیز این خبر مورد تأیید قرار گرفت و اعلام شد که نامه رئیس جمهور عراق در شورای امنیت کشور، هیئت دولت و نیز کمیسیون سیاست خارجی مجلس مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. پنهان ماندن متن نامه صدام به رفسنجانی در همین تأیید ارسال نامه و جدی تلقی کردن متن آن توسط مقامات رژیم ایران از اهمیت متن نامه دولت عراق و تغییرات احتمالی در روند پیشرفت مذاکرات صلح میان دو کشور حکایت می کند. خاطرنشان می شود که این اولین نامه ای نیست که توسط رئیس جمهور عراق به مقامات



گروهی از اوباش مونت حکومت، جلوی یک زن را گرفته اند تا آرایش صورتش را پاک کرده و به گفته حکومتیان "ارشاد" کنند.

بار دیگر جمهوری اسلامی یورش همه جانبه ای را برای تحمیل باورهای ارتجاعی خود در مورد نحوه لباس پوشیدن به زنان و مردان میهن تدارک دید و به اجرا گذاشت. اینبار هم نیروهای انتظامی و هم اراذل قمه کش و تیغ زن و اسیدپاش به خدمت گرفته شدند. و تمام مسئولین ریز و درشت حکومتی تلاش کردند در این جهاد اسلامی نقطه ضعفی از خود نشان ندهند. دسته های دسته های (حزب اله موتور سوار) (موتوریزه) که در گزارشی از تهران تعداد آنها ۲ هزار قید شده است، اوباش تیم های گشتی خواهران و برادران دایره مبارزه با منکرات، مامورین کمیته و سپاه پاسداران و شهرتانی در تهران و شهرستان مابین خیابانها گسیل شدند تا بخشنامه جدید در مورد حجاب را به اجرا گذارند. تعداد زیادی از زنان مورد حمله قرار گرفته و یا دستگیر شدند. بر صورت و دست و لباسهای بسیاری رنگ پاشیدند و شلوارهای جین و لباسهای دیگر فیراسلامی افرادی را با کارد و تیغی بر تن آنان از هم دریدند. در موارد متعددی اوباشگری مامورین رژیم با مقاومت مردم روبرو شد. در این گونه موارد اراذل رژیم با چاقو و قمه به مردم حمله کردند و تعداد زیادی را زخمی کردند. دور جدید "مبارزه با بقیه در صفحه ۲"

مجازات "متخلفین اخلاقی"

موسوی اردبیلی در خطبه نماز جمعه تهران: "نگه می دارند سرپا، با شمشیر می زنند؛ دو تکه اش می کنند یا گردنش را می زنند، یا از اون بالا می زنند می افتد. بعد که مرد، بعد میزیم می آورند، آتش می زنند، جنازه را وسط میزیم می گذارند و جنازه را می سوزانند. یا می برند اون بالای کوه، از اونجا پرت می کنند. بعد میان، قطعات جنازه را جمع می کنند و آتش می زنند. یا میان، چاله ای می کنند، در اون چاله آتشی را تهیه می بینند، و زنده زنده می اندازند تو آتش."

ایرانی نوشته شده است. در سال گذشته صدام حسین نامه دیگری برای مقامات ایرانی ارسال داشته بقیه در صفحه ۳

اعتراض ۱۴۳ نماینده مجلس به روزنامه رسالت

از طیف و امانده از انقلاب و توجیه گر جنایات تروریست های اقتصادی، "کسانی که دین خود را به اربابان زر و تزویر ادا می نمایند"، "تزویرگران انتقامجویی که مطالبی را که به آنان دیکته می شود می نگارند"، "اعتراض اصلی نویسندگان نامه به روزنامه رسالت که در زیر این عنوان ارائه شده این است که رونامه مذکور "درهنگامه زمزمه های بزانو در آوردن انقلاب مقدس اسلامی ایران توسط استکبار جهانی" می گوید مجلس شورای اسلامی را تخطئه و بدین ترتیب با "خطرات احتمالی تصویب قوانین انقلابی مجازات زانو صفنان و تروریست های اقتصادی" مقابله کند.

سخنگوی جناح تندرو - علیه شرکت های مضاربه ای آغاز و تاکنون کشیده شده است. در پایان جلسه روز پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت مجلس، نامه ۱۴۳ نفر از نمایندگان مجلس در اعتراض به مواضع روزنامه رسالت قرائت شد. نامه، که توسط "تندرو" های مجلس تهیه شده، گردانندگان روزنامه رسالت را با عنوان زیر مخاطب قرار داده است: "بعضی از ورشکستگان سیاسی که در راستای اهداف شیطان بزرگ گام بر می دارند"، "افراد معلوم الحال به نمایندگی

واکنش نسبت به حمله روزنامه "رسالت" علیه وابستگان "جناح تندرو" رژیم و افشای دزدی های آنان در بنیاد الهادی و رجا با دفاع هادی فخاری از خود و از بنیادش در جلسه ۱۱ اردیبهشت مجلس خاتمه نیافت و تک و پاتک های جناح های حکومتی علیه یکدیگر بر سر "نحوه مقابله با تروریست های اقتصادی" در مفته گذشته نیز ادامه یافت. البته حمله روزنامه رسالت به هادی فخاری آغاز ماجرا نبود و حلقه ای از رشته درازی را تشکیل می داد که با درج مقالاتی در کیهان - نشریه

نرخ ارز به بالاترین رقم پس از قطع جنگ رسید

در نیمه اردیبهشت ماه، نرخ ارز در بازار آزاد تهران به بالاترین رقم آن پس از اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی در تیرماه ۱۳۶۷ رسید. به گزارش روزنامه کیهان، نرخ دلار که از اوایل اردیبهشت سیر صعودی مجددی را آغاز کرده، در روز ۱۵ اردیبهشت از مرز ۱۴۰ تومان گذشت. در این روز، دلار در تهران ۱۴۰۵ ریال معامله می شد. نرخ مارک در همین روز ۸۳۰ و بهای پوند، ۲۲۶۵ ریال بود. سکه طلا نیز همراه با دلار گران تر شد و قیمت آن به ۱۲۳۱۰ تومان رسید. افزایش بی سابقه بهای ارز، نشانگر شکست کامل برنامه دولت رفسنجانی برای فروش ارز در بازار آزاد است. در مهرماه گذشته، دولت فروش ارز به نرخهای رقابتی، ترجیحی و خدماتی را که اندکی پایین تر از نرخ بازار آزاد بود، آغاز کرد و همین امر بر بازار آزاد نیز تأثیر مثبت موقتی داشت. اما تنها با گذشت چند هفته، معلوم شد که دامنه فروش ارز به نرخ های نیمه آزاد توسط دولت محدودتر، و نیاز بازار به ارز خارجی شدیدتر از آن است که بتواند نرخ دلار را بشکند. پس از کاهش اولیه، نرخ ارز دوباره به سطح پیش از ورود دولت به بازار بازگشت و حتی بالاتر نیز رفت. اینک، بهای ارز به بالاترین رقم پس از قطع جنگ رسیده است. جمهوری اسلامی می گوید شکست این سیاست خود را نه ناشی از ماهیت هملکرد دولت و اقتصاد اسلامی، بلکه به اجته و ارواح خبیثه نسبت دهد: "چند تن از این تروریست ها که اخیرا دستگیر شده اند اعتراف کرده اند که از خارج دستور داده شده بود که هر قدر دولت ارز به بازار وارد می کند خریداری کنند تا در مقابل دولت بایستند." (سخنان کرویوی در جمع افراد کمیته کیهان ۱۵ اردیبهشت)

بار دیگر "طرح ضربتی مبارزه با بیسوادی"

در گسترش این بلیه اجتماعی موثر بوده است. وی در همین دیدار اعلام کرد "تسلیت اعظم افراد بیسوادی در گروه های سنی ۱۰ تا ۳۵ سال قرار دارند". هم رفسنجانی و هم دیگر مقامات حکومت اعلام کرده اند که قصد دارند تا چند سال دیگر بیسوادی را در کشور ریشه کن کنند. برای آنکه جدی بودن حرف آنان را روشن سازیم کافی است نگاهی به برنامه مصوب بیندازیم. در برنامه مصوب سال جدید باز هم "جنگ در سر لوحه امور" است و بخش هنگفتی از بودجه کشور صرف مخارج نظامی و تجهیز نیروهای رژیم به تسلیحات جنگی می شود. مطابق نوشته های روزنامه های دولتی میزان بیسوادی در کشور ۲۰ میلیون نفر برآورد شده است. اعلام این رقم و عملکرد رژیم باز هم "جدی" بودن ادعای رفسنجانی و دیگر مقامات حکومت را روشن می کند: برای اولین بار در دی ماه سال ۵۸ حکومت برنامه "بسیج ملی" را برای سوادآموزی اعلام کرد. در این طرح تأکید شده بود که بدون مقررات دست و پاگیر استخدامی و اداری، بسیج ملی برای سوادآموزی انجام خواهد شد. پس از یکسال از اجرای این برنامه تنها حدود ۲۵۰ هزار نفر تحت پوشش قرار گرفتند. این رقم با توجه به رقم کل بیسوادی در کشور یعنی شکست کامل سیاست رژیم در این زمینه بود. مقامات رژیم در آن سال دلایل این شکست را نبود امکانات کافی، کمبود کلاسها، کمبایی کتابهای درسی و عدم همکاری نهادها و سازمانهای دولتی اعلام کردند.

سرمداران جمهوری اسلامی بار دیگر نمایش مسخره ای بر راتحت عنوان "طرح ضربتی مبارزه با بیسوادی" آغاز کردند. "طرح جدید" حکومت برای بیسوادیان آنهم این بار بصورت "ضربتی" از روز دیدار رئیس جمهور رژیم با گروهی از معلمان و آموزشیاران نهضت سواد آموزی در روز ۱۶ اردیبهشت اعلام شد. در دیدار رفسنجانی و معاونین وی با جمعی از دست اندرکاران "نهضت سوادآموزی" رئیس جمهور و مقامات رژیم این بار نیز با قیافه و جملات حق به جانب مردم را خطاب قرار داده و تلاش نمودند گناه مسئولان و دست اندرکاران حکومتی را در گسترش بلیه بیسوادی در کشور به گردن آنان بیاندازند و حتی آنان را نیز گستاخانه تهدید کنند.

رفسنجانی در این دیدار در زمینه اجرای طرح جدید سوادآموزی اظهار داشت: امیدواریم در اجرای این طرح متوسل به اجبار نشویم، اما اگر مردم از آن استقبال مناسبی به عمل نیاورند، دولت از اهرمهایی که در اختیار دارد استفاده خواهد کرد. ارقامی که معاون رفسنجانی در زمینه گروه سنی بیسوادی ارائه می دهد بیش از هر چیز حاکی از این واقعیت است که حاکمیت سیاه یازده ساله آنها

حج و تنگنای ارزی

آخوندی بنام امام جمارانی که "نماینده رهبری و سرپرست سازمان حج و اوقاف و امور خیریه" است، اعلام کرد امسال نیز مراسم حج بدون حضور زائران ایرانی برگزار خواهد شد. بدین ترتیب اختلافات دو رژیم تهران و ریاض باعث شد تا کسانی که از سالها پیش برای رفتن به حج ثبت نام و مبلغی را پرداخت کرده اند، برای سومین سال پی در پی از سفر به مکه و مدینه محروم شوند. در سال ۱۳۶۶، برخی از فرستادگان رژیم بقیه در صفحه ۲

حمله وسیع اوپاش و چاقوکشان رژیم به زنان برای...

بیتیه از صفحه اول
۱۱ اردیبهشت آغاز شد
 در روز ۱۱ اردیبهشت، بدنیاال چندین سخنرانی و موضع گیری و هشدار و اخطار و تهدید در نمازهای جمعه و مجلس و منابر، استانداری تهران بخشنامه های انتشار داد که در آن آمده بود:
«موارد زیر به عنوان مظاهر فساد و متک هفت همومی و عدم رعایت حجاب تلفی و ارتکاب آن جرم و مشمول جلب و تمویل به مقامات قضایی می باشد.»
الف: ظاهر شدن در معابر و اماکن و انتظار همومی بدون رعایت حجاب و با آرایش به شکل نمایشی از زننده.
ب: استفاده از لباسهای زننده و خلاف هفت همومی از قبیل لباسهای بدن نپا، تنگ و شلواری های کوتاه، جوراب های توری و پانها برای زنان و پیراهن های آستین حلقه ای و سینه باز و بدن نما برای مردان.
ج: استفاده از لباسها و وسایلی که دارای عبارات و تصاویر و نشانه های مستهجن بوده و هلایمی که متعلق به گروهها و نشریاتی است که مشهود به فسادند و یا مسلک آنها با اصول و ارزشهای انقلاب اسلامی در تضاد است.
 در ادامه این بخشنامه، اجرای این موارد بعهده کمیته و رسیدگی به جرایم متخلفین برعهده دادگاههای انقلاب گذاشته شده است.
 بدنیاال انتشار این بخشنامه، روزنامه ها در روز پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت خبر از تشکیل جلسه کمیسیون جدیدی بنام «کمیسیون سیاست گذاری در امور مبارزه فرهنگی و اجرایی با مظاهر فساد» به ریاست نوری وزیر کشور دادند. در این جلسه، بار دیگر بر «مبارزه با مظاهر فساد» در جماعت و انتظار همومی تاکید شد و شرکت کنندگان، یک گام هم فراتر نهادند و دایره شمول «سالم سازی» (نام جدید عملیات تحمیل حجاب) را به فروشگاهها، بوتیکها، شرکتهای آژانسها، سالنهای بهداشتی و زیبایی، رستورانها و هتلها، مراکز بهداشتی و

افزایش بودجه عمرانی بر روی کاغذ

طررحهای عمرانی به مرحله بهره برداری رسیده است. خاطر نشان می شود که ادعای معاون سازمان برنامه و بودجه رژیم در زمینه افزایش بودجه عمرانی کشور بر پایه برنامه مصوب هیئت دولت در سال جدید می باشد که در آن بخش عمده از درآمدهای دولت از طریق دریافت مالیات بر درآمد و فروش نفت صورت می گیرد.
 هم در زمینه درآمدهای ریالی دولت از طریق دریافت مالیاتهای مستقیم و هم در زمینه تامین منابع ارزی آن از طریق فروش نفت در بازارهای جهانی، تجربه سالهای گذشته و اوضاع نابسامان و مرج و مرج کنونی و کاهش جدی بهای نفت نشاندهنده این واقعیت است که رژیم قادر به تامین این بودجه نیست و افزایش بودجه طرحهای عمرانی تنها بر روی کاغذ صورت گرفته است.

بر اساس گفته های نیلی، معاون سازمان برنامه و بودجه کشور، بودجه عمرانی سال جاری کشور حدود یک هزار و ۶۷۰ میلیارد ریال است که نسبت به سال گذشته ۲۰ درصد و نسبت به سال ۶۷ حدود ۶۰ درصد افزایش داشته است.
 معاون سازمان برنامه و بودجه در زمینه طررحهای عمرانی کشور افزود: در سال جاری جهت تامین مصالح مورد نیاز طررحهای عمرانی یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلار ارز در نظر گرفته شده و در سال جاری نیز میزان یک هزار و ۴۰۰ میلیون دلار ارز برای تهیه ماشین آلات عمرانی کشاورزی اختصاص یافته است.
 وی در زمینه اهداف و برنامه های ۵ ساله حکومت گفت: دولت در حال حاضر ۵ هزار میلیارد ریال طرح نیمه تمام دارد که اگر به بهره برداری برسد سالانه ۵۰۰ میلیارد ریال خسارت دیرکرد به آنها تعلق می گیرد. وی متذکر شد در سال ۶۷ تنها ۸ درصد از

درمانی گسترش دادند.
 در همین روز، کمیته آمادگی خود را برای اجرای تعرض جدید علیه «بدحجابی» اعلام کرد. از روز ۲۰ اردیبهشت، «مرحله شناسایی» متخلفین از بخشنامه جدید حجاب آغاز شد و تا روز شنبه ۲۲ اردیبهشت ادامه یافت. مطابق گزارش های دولتی افراد کمیته در سطح شهرها، بویژه تهران، پراکنده شدند تا مشخصات «بدحجابها» را در فرم های مخصوصی ثبت کنند. در اعلامیه کمیته آمده است این مشخصات توسط کامپیوتر، طبقه منظم خواهد شد و موارد آن با سازمانهای استخدامی کشور، کمیته های انضباطی و امور تربیتی مدارس در میان گذاشته خواهد شد تا جزو سوابق آنان قرار گیرد. این اعلامیه می افزاید: «یکی دیگر از عملیات نیروهای کمیته، طرح سالم سازی دریای شمال، اجرای طرح کنترل کوهها و پارکها خواهد بود.»
 پس از دو روز قدرت نمایی کمیته، اعلام شد که تنها در نخستین روز اجرای طرح جدید، ۲۰ نفر دستگیر شده اند و پرونده آنها به دادگاه ارجاع شده است.
 از ماهها پیش، تن ندادن مردم و بویژه زنان به قيود تنگ و دست و پاگیر تحمیلی از سوی رژیم در مورد لباس، برخی از حزب اللهی ها و مقامات رژیم را برافشانه کرده بود و افراطی ترین آنها، پیوسته تهدید به آوردن «امت شهیدپرور» به صحنه می کردند. اینک تمه کشان «امت شهیدپرور» و مامورین انتظامی رژیم به میدان آمده اند تا در مبارزه ای که از ده سال پیش میان مردم و رژیم ادامه دارد، ابعاد نویینی از توحش و تجحر را به نمایش بگذارند. مقاومت مردم و بویژه زنان در مقابل اینگونه تحمیلات نشان داده و می دهد که بسیج کنونی نیز گذرا بوده و نخواهد توانست چارچوب و معیارهای مورد نظر حضرات را، به همگان تحمیل کند. اما این تجلی مجدد نقض آشکار و هلنی ابتدائی ترین حقوق بشر، باید مورد انشأ و اعتراض همومی قرار گیرد.

حج و تنگنای ارزی

بیتیه از صفحه اول

خمینی به کاروان حج، در هرستان دست به تظاهرات علیه اسرائیل و رژیم سعودی زدند که مورد حمله و حشیانه پلیس سعودی قرار گرفت. جز این حادثه خوتین، ۴۰۰ زائر که تقریباً همگی ایرانی بودند، قتل عام شدند. پس از این حادثه، هرستان از سهمیه زائران ایرانی کاست و با خواست رژیم جمهوری اسلامی برای اعزام ۱۵۰ هزار نفر به سفر حج مخالفت کرد. از آن پس، از یک سو تهریران بر سهمیه ۱۵۰ هزار نفری خود تاکید کرده و از سوی دیگر، رژیم سعودی همواره با این تعداد مخالفت ورزیده است. در سال ۶۷ و ۶۸ به دستور شخص خمینی توافق در مورد سفر ایرانیان به مکه، منوط به پذیرش رقم ۱۵۰ هزار نفر از سوی هرستان گردید. امسال نیز با اینکه دیگر از سوی مقامات رژیم بر این رقم تاکید نمی شود و هلیتر شم سفر فرستاده رژیم به ریاض، توافق حاصل نشد.

کاهش سهمیه تولید نفت اعضای اوپک

در پی کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی، کشورهای عضو اوپک تصمیم به برگزاری اجلاسی فوق العاده برای مقابله با کاهش قیمت نفت گرفتند. در پایان این نشست، اعلام شد که کشورهای عضو تصمیم گرفته اند که برای مدت دو ماه به میزان یک میلیون و ۴۴۵ هزار بشکه در روز از تولید خود بکاهند.
 در ماه های اخیر برخی از کشورهای عضو اوپک اقدام به تولید بیش از حد سهمیه مجاز خود کرده بودند و این یکی از عوامل اصلی کاهش بهای نفت در بازارهای جهانی شد. بر اساس تصمیم گیری جدید میزان کاهش تولید برای هر کشور به شرح زیر تعیین شده است:

نام کشور	بشکه در روز
ایران	۲۰ هزار
امارات متحده عربی	۲۰۰ هزار
اکوادور	۷ هزار
اندونزی	۴۰ هزار
الجزایر	۲۰ هزار
عراق	۲۰ هزار
هرستان سعودی	۴۳۰ هزار
قطر	۳ هزار
کویت	۴۰۰ هزار
لیبی	۷۳ هزار
نیجریه	۷۷ هزار
ونزوئلا	۱۴۰ هزار
	۱۵ هزار

مطابق اظهار نظرهای وزرای نفت کشورهای عضو اوپک، دولت های متوجع آنان خود را موظف به اجرای طرح سهمیه بندی جدیدی دانند. این مقامات همچنین اظهار خوشبینی کرده اند که بر اساس کاهش تولید نفت از جانب اوپک، طی ۶ تا ۸ هفته آینده امکان افزایش مجدد قیمت نفت به سطح ۱۸ دلار در هر بشکه که بهای پایه نفت اوپک می باشد، وجود دارد.

به نظر می رسد عامل جمعی که در پافشاری رژیم آشونوی بر شرایط پذیرش از سوی سعودی ها موثر است، تنگنای ارزی جمهوری اسلامی است. در صورت اعزام زائران به حج، رژیم ناچار خواهد بود دهها میلیون دلار به نرخ ارزان در اختیار کاروانها بگذارد. آنچه این ظن را تقویت می کند، این است که لحن مقامات رژیم در مورد هرستان سعودی ملایم تر از سالهای گذشته شده و قاعدتا به لحاظ سیاسی موانع همدای بر سر راه شرکت ایرانیان در حج وجود ندارد. به ویژه باید در نظر داشت که در سالهای جنگ و همزمان با حمایت گسترده ریاض از عراق، کاروانهای ایرانی مرتباً به هرستان اعزام می شدند.

در روز دهم اردیبهشت، علی محمد بشارتی قائم مقام وزیر خارجه طی یک کنفرانس مطبوعاتی در ابوظبلی گفت: تحقق هیچ چیزی در شرایط موجود غیر ممکن نیست و ما می توانیم مشکلاتمان را با هرستان در محیطی آکنده از تفاهم متقابل حل کنیم. در حالیکه ابرقدرت ها اختلافات خود را با یکدیگر حل می کنند چرا ما نتوانیم با کشورهای اسلامی بویژه هرستان سعودی توافق کنیم. (کیهان ۱۱ اردیبهشت)

سفر بی نظیر بوتو به تهران

بی نظیر بوتو نخست وزیر پاکستان سه شنبه هفته گذشته به منظور انجام دیداری یک روزه وارد تهران شد. در سفر نخست وزیر پاکستان به تهران جمعی از مقامات بلندپایه این کشور منجمله صاحبزاده یعقوب خان وزیر خارجه وی را همراهی کردند.
 گفته می شود خانم بی نظیر بوتو بر اساس یک برنامه تنظیمی دیدار از کشورهای منطقه، از کشورهای کویت، سوریه و مصر هم دیدار خواهد کرد.
 قابل ذکر است که قبل از سفر خانم بوتو به تهران، محسن نوربخش وزیر امور اقتصادی و دارائی حکومت اسلامی روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت در راس یک هیات اقتصادی - تجاری جهت شرکت در پنجمین اجلاس مشترک اقتصادی ایران و پاکستان وارد اسلام آباد شده بود.
 در اجلاس مشترک اخیر مسائل روابط اقتصادی و همکاریهای مختلف دو جانبه در کشور و چگونگی اجرای قرارها و برنامه های طرفین مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.
 وزیر امور اقتصادی و دارائی حکومت قبل از نشست اخیر اعلام داشته بود که علاوه بر بحث حول ایجاد تضمین هائی جهت اجرای برنامه ها، فعال ساختن اکو و کارخانه نساجی پارک - ایران و افزایش همکاری های دو کشور در زمینه انرژی، بازرگانی، تحقیقاتی، گمرکی و فرهنگی از جمله موارد اصلی بحث های مقامات اقتصادی دو کشور در پنجمین اجلاس مشترک بوده است.

رقابتی نامبرده خاطر نشان ساخت که از آن ماه ۶۸ که طرح تامین ارز رقابتی کارخانجات آغاز شد تا پایان اسفند ماه بیش از ۵۳۰ میلیون دلار ارز به واحدهای متقاضی داده شده است، و برای سال ۶۹ کارخانجات هر قدر ارز بخواهند در اختیارشان گذاشته می شود.

در همین مصاحبه میزان تقاضا برای سرمایه گذاری در بخش تولید در طی ۸ ماهه گذشته بیش از ۲۷ هزار مورد اعلام شد که بنابه گفته وزیر صنایع تا کنون با ۵۰ درصد این تقاضا موافقت شده است.
 لازم به ذکر است که یکی از اهداف عرضه ارز رقابتی شکستن قیمت بازار آزاد ارز اعلام شده بود. در هنگام عرضه ارز رقابتی هر دلار ۱۱۴ تومان معامله می شد. اکنون قیمت هر دلار در بازار آزاد به ۱۴۲ تومان رسیده است

اجلاس گروه ۲۴ صندوق بین المللی پول

حکومت در زمینه سرمایه گذاری گفته است دولت به منظور افزایش کارائی اقتصادی، سیاست های جدید مالی و ارزی را دنبال می کند. وی اشاره کرده است که سیاست فروش سهام به مردم و مشارکت دادن مردم در بازسازی و سرمایه گذاری ادامه خواهد یافت. مدیر عامل صندوق بین المللی پول در پاسخ اعلام کرده است: صندوق بین المللی پول آماده است کمک فنی و مشورت لازم را در زمینه های مورد نیاز به ایران ارائه دهد.
 در همین حال «کونا بل» رئیس بانک جهانی نیز طی ملاقاتی با هادلی گفته است بانک جهانی از بازگشت فعال ایران به این مرکز به عنوان یکی از اعضای مؤسس آن استقبال می کند و آماده است کمک های خود را برای توسعه پروژه های زیربنائی در اختیار ایران بگذارد. وی همچنین اشاره نمود: بانک جهانی هلاقه دارد با ایران در زمینه اجرای پروژه های زیربنائی همکاری فعال و موثر داشته باشد. این اظهارات رئیس کل بانک جهانی نیز مورد استقبال هادلی قرار گرفت.
 رئیس کل مرکزی ایران در یک کنفرانس خبری اعلام کرد اقدام مشخصی از جانب ایران برای دریافت وام و اعتبار از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی صورت نگرفته است، اما در صورت لزوم ایران از حق خود در این باره استفاده خواهد کرد.
 وی افزود: تضمین زده شده که ایران در طول برنامه ۵ ساله جاری به ۱۷ میلیارد دلار منابع مالی خارجی نیاز دارد که به طرق مختلف از جمله از طریق توافق های دو جانبه نسبت به تامین آن اقدام خواهد کرد.

چهل و دومین اجلاس نمایندگان کشورهای عضو گروه ۲۴، کشورهای در حال توسعه، در محل صندوق بین المللی پول در واشنگتن برگزار شد. در جریان برگزاری این اجلاس، هادلی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی که عهده دار ارائه نظرات کشورهای در حال توسعه در زمینه موضوعات و مشکلات مالی و پولی بین المللی است، به مدت یک سال به ریاست این گروه برگزیده شد. در این نشست نمایندگان کشورهای کلمبیا و نیجریه نیز به عنوان معاونین اول و دوم اجلاس گروه ۲۴ انتخاب شدند.
 قابل ذکر است که عده ای از کارشناسان بانک مرکزی و وزارت اقتصاد و دارائی رژیم اسلامی از حدود دو ماه پیش به منظور انجام گفتگو با دیگر اعضای گروه ۲۴ و مقامات صندوق بین المللی و بانک جهانی پول در واشنگتن بسر می برده اند.
 در همین حال اعلام شد که وزیر دارائی سوئیس تقاضای عضویت این کشور در گروه ۲۴ صندوق بین المللی پول را کرده است.
 در حاشیه برگزاری این اجلاس همچنین شایعه گردید که ایران درخواست دریافت وام و اعتبار از صندوق بین المللی و بانک جهانی پول را کرده است. در همین ارتباط اظهارات رئیس کل بانک مرکزی در مصاحبه مطبوعاتی در واشنگتن و اظهارات مدیران عامل صندوق بین المللی و بانک جهانی پول بر واقعی بودن خبر مزبور دلالت دارد.
 در نشست هادلی و مدیر عامل صندوق بین المللی پول، طرفین به بررسی موقعیت اقتصادی، اجتماعی رژیم و سیاست های اقتصادی جدید آن پرداخته اند. در همین زمینه هادلی ضمن توضیح موقعیت مناسب

نحوه تولید و عرضه کالا با ارز رقابتی

کارخانجات برای تولید کالاها ی صادراتی یکی از برنامه های وزارت صنایع است که از طریق استفاده از دو بخش ارز دولتی و رقابتی، از طریق بیع متقابل (بایک) و از طریق تسهیلات جدید نظیر تنخواه صادراتی دنبال می شود. وی گفت: «در زمینه بیع متقابل هیچ مشکلی نداریم، ۲ میلیارد دلار سهمیه دارد و آئین نامه اجرائی آن چند روز قبل از سوی هیات دولت به تصویب رسیده است.

نعمت زاده وزیر صنایع در یک مصاحبه مطبوعاتی ضمن برشمردن دستاوردهای سیاست اقتصادی حکومت در زمینه تحویل ارز رقابتی به واحدهای اقتصادی اعلام داشت که تامین ارز رقابتی بهترین عامل در افزایش تولید کارخانه ها و کاهش قیمت های آزاد برخی کالاها می باشد.
 نامبرده در باره نیازها سیاست ها و برنامه های جدید دولت اعلام کرد: استفاده کامل از ظرفیت

امیدیه

بقیه از صفحه اول

بود که موضوع آن از جانب جمهوری اسلامی با بی‌اهمیتی کامل دنبال گردید. متن کامل آن نامه توسط مقامات دو کشور مخفی ماند.

هلیکوپر هدم انتشار متن نامه اخیر، بر پایه اظهارات پراکنده مقامات دو کشور و همچنین اطلاعات منتشره توسط نشریات مختلف، گفته می‌شود در این نامه هدام حسین بار دیگر مقامات ایرانی را به مذاکره مستقیم دعوت کرده است. در روزنامه‌های دولتی ایران و همچنین برخی از مطبوعات کشورهای عربی علاوه بر انتشار خبر فوق، اخباری دایر بر محل مذاکرات و پیشنهادات جدید دولت عراق مطرح گردیده است. در این رسانه‌ها اعلام شده که دولت عراق مذاکرات در پایتخت عربستان سعودی را پیشنهاد کرده است. همچنین گفته می‌شود رئیس‌جمهور عراق قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزیره را به عنوان مبنای مذاکرات پذیرفته است. برخی اخبار متناقض در مورد پذیرش این قرارداد از جانب دولت عراق نیز وجود دارد. رسانه‌های ایران در این زمینه اظهار نظر کرده‌اند که عراق هنوز هم در هدم پذیرش این قرارداد و تهدید نظر در آن اصرار ورزیده است.

در کنار اخبار مربوط به مذاکرات صلح و شرط و شروطهای مطرح شده، اخبار دیگری نیز از منابع مختلف انتشار یافته که حاکی از بند و بستهای پنهانی بین مقامات دو کشور است. برخی از رادیوهای فارسی‌زبان و همچنین کیهان هوایی وابسته به حکومت جمهوری اسلامی خبر داده‌اند که در ارتباط با ارسال این نامه محدودیت‌هایی برای کادر رهبری و اعضای سازمان مجاهدین خلق در عراق بوجود آمده است. کیهان هوایی در همین زمینه از قول ناظران آگاه می‌گوید که "دولت عراق برای صلح نیازمند آن است که از سازمان به اصطلاح مجاهدین بهره‌برداری کند، زیرا می‌تواند در پشت میز مذاکره مورد معامله

قرار گیرند

در مطبوعات جمهوری اسلامی همچنین این خبر منتشر شد که بدنبال ارسال نامه هدام حسین به رفسنجانی، یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین نیز نامه‌ای برای رهبران حکومت اسلامی ارسال داشته و در آن بر لزوم حل اختلافات میان دولتهای منطقه جهت مقابله فوری با اقدامات دولت اسرائیل در سرزمینهای اشغالی تاکید ورزیده است. و این نیز موضوعی است که گفته می‌شود در نامه هدام حسین به رفسنجانی مورد تاکید قرار گرفته است. همانطور که در شماره گذشته اکثریت گفته شد برای اظهار نظر قطعی پیرامون نامه اخیر و روندهای آتی در مذاکرات صلح احتیاج به اطلاعات بیشتری وجود دارد. واقعیت این است که رسانه‌های گروهی در زمینه اصلی‌ترین موضوع اختلافات در روند ۲۰ ماهه مذاکرات یعنی پذیرش قرارداد سال ۱۹۷۵ الجزیره بعنوان مبنای مذاکرات از سوی دولت عراق و همچنین آمادگی این کشور برای اجرای طرح زمان بندی شده قطعنامه ۵۹۸ اطلاعات متناقضی را منتشر ساخته‌اند. این موضوع سبب می‌شود که با قطعیت کمتری پیرامون تحولات آتی سخن گفته شود. در همین حال شواهدی نیز در دست است که این امید را ایجاد می‌کند که در خروج از بن‌بست کنونی مذاکرات صلح ایران و عراق مخری یافت شود.

در طول چندماهه گذشته خبرهای متعددی از سوی رسانه‌های گروهی عربی در زمینه تسلیح نیروهای نظامی ارتش عراق به مدرنترین و پیشرفته‌ترین سلاحهای جنگی انتشار یافت. دولت اسرائیل نیز آشکارا به تهدید جنگی علیه دولت عراق پرداخت و عراق نیز کارزار تبلیغاتی علیه دولت اسرائیل در جهان عرب را دامن زده و بدین خاطر حمایت جهان عرب در مبارزه علیه تبلیغات دولتهای غربی و دولت اسرائیل را جلب کرده است. دولتهای لیبی و سوریه که روزی از هم پیمانان و حمایت‌گران حکومت اسلامی بوده‌اند در این کارزار تبلیغاتی جانب دولت عراق گرفته و حمایت آشکار خود را از رژیم صدام در

مبارزه علیه اسرائیل اعلام نموده‌اند. انتشار اخبار مربوط به تجهیز ارتش عراق به سلاحهای شیمیایی مرگبار، توپهای دوربرد فول‌آسا و تلاش این رژیم برای دست‌یابی به سلاحهای اتمی در شرایط ضعف جدی نیروی نظامی جمهوری اسلامی و بنیه ضعیف مالی برای جبران این عقب‌ماندگی از سوی و از سوی دیگر اعمال فشار بین‌المللی بر روی رژیم عراق در کنار این واقعیت که هر دور رژیم‌تار به ادامه وضعیت نه جنگ و نه صلح نبوده و با بحرانهای جدی درونی روبرو هستند، در سیر آتی رویدادها معانی خاص خود را می‌یابند.

بی‌جهت نیست که بعد از نامه مذکور موسویان مدیرکل وزارت خارجه رژیم در وین اعلام حمایت دولت متبوعش از رژیم عراق در مبارزه علیه اسرائیل را بیان می‌کند؛ و همچنین بار دیگر سفرهای مقامات وزارت خارجه دولت شوروی در ارتباط با مسائل مذاکرات صلح ایران و عراق آغاز می‌گردد.

سفر رسمی ولادیمیر پتروفسکی معاون امور بین‌المللی وزارت خارجه شوروی در ۱۹ اردیبهشت به تهران و طرح مجدد پیشنهادات دولت شوروی برای از سرگیری

مبارزه علیه رژیم صدام است که "در صورت محتمل نامه مبارک حضرت امام پیرامون خط مشی ویرانگر نشریه رسالت را در اختیار مجلس شورای اسلامی و انکار همومی قرار دهند. باشد که ماهیت این روزنامه و گردانندگانش از قلم مبارک امام در اختیار عموم جامعه قرار گیرد و مردم همیشه در صحنه این حضرات را به خوبی بشناسند." و از سوی دیگر بر کوششهای روزنامه رسالت برای "مسخ اندیشه‌ها و مواضع امام" تاکید شده است. این تاکید بر پایه طرحی که اکنون دیگر از تصویب مجلس گذشته است دایر

ادامه کشف محموله‌های

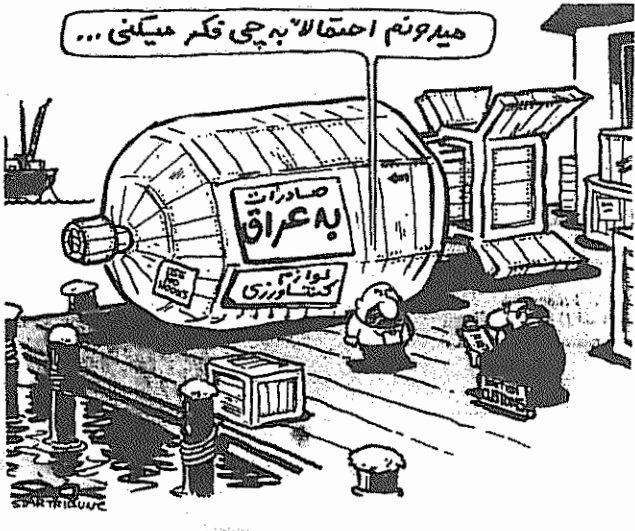
تسلیمات برای عراق

توپ دوربرد عراق ارسال می‌شده است، کشف و مصادره کرده است. مقامات ایتالیایی می‌گویند قطعات مزبور مربوط به توپی بوده است که بیش از ۳۵۰ کیلومتر برد دارد. این توپ، موسوم به پی - سی - ۴، در صورت تکمیل ساختمان آن می‌توانست کلاهک‌های هسته‌ای و شیمیایی نیز حمل کند. در روز شنبه، ۱۲ ماه مه، نیروهای پلیس ایتالیا در رم و سه شهر دیگر بطور همزمان دست به عملیاتی علیه سازندگان و صادرکنندگان این قطعات زدند. در بندر ناپل چهار کانتینر حاوی این قطعات که در کارخانه فولادسازی "فوجینه" در شمال رم ساخته شده بود، مصادره گردید. مقصد این محموله‌ها، بغداد بود و ظاهراً محتویات آن قطعات فولادی لوله‌های نفت اعلام شده بود.

پلیس ایتالیا همچنین در چند خانه در رم مدارکی پیرامون معاملات شرکت‌های ایتالیایی با عراق به دست آورد. مقامات ایتالیایی گفته‌اند در آوریل سال گذشته، عراق سفارش ساختن قطعات توپ دوربرد خود را به شرکت ایتالیایی داده است. این مقامات می‌افزایند قطعات ساخته شده در ایتالیا، با قطعاتی که در ماه آوریل در بریتانیا و یونان کشف شده، مطابقت دارد. شرکت ایتالیایی "فوجینه" که مکان مذهبی است وزارت صنایع عراق سفارش قطعات مزبور را برای لوله‌های نفت داده است.

"رسالت" چاره مناسب‌تر را در توسل به شیرینی و پیشنهادهای مصالحه یافته‌اند: "سازا چرا این گونه سخن بگوئیم، کلمات و واژه‌ها دارای چنان بار خصومتی است که انگار داریم از سخت‌ترین دشمن خود سخن می‌گوئیم. ما همه با هم برادریم و می‌توانیم مشکلات و مسائل مان را با لحنی برادرانه حل کنیم." واقعا هم اگر دامنه افشاگرهای طرفین علیه یکدیگر بخواهد بالاتر از این اوج گیرد، دیگر چاره‌ای نمی‌ماند جز آنکه "مسائل و مشکلات با لحنی برادرانه حل شوند."

ماجرای کشف قطعات توپ عظیم دوربرد عراق که در بریتانیا آغاز شد، در کشورهای دیگر ادامه یافت. پلیس ایتالیا هفته گذشته اعلام کرد که یک محموله ۷۵ تنی را که به احتمال قوی برای ساختن



اعتراض ۱۴۳ نماینده مجلس به روزنامه رسالت

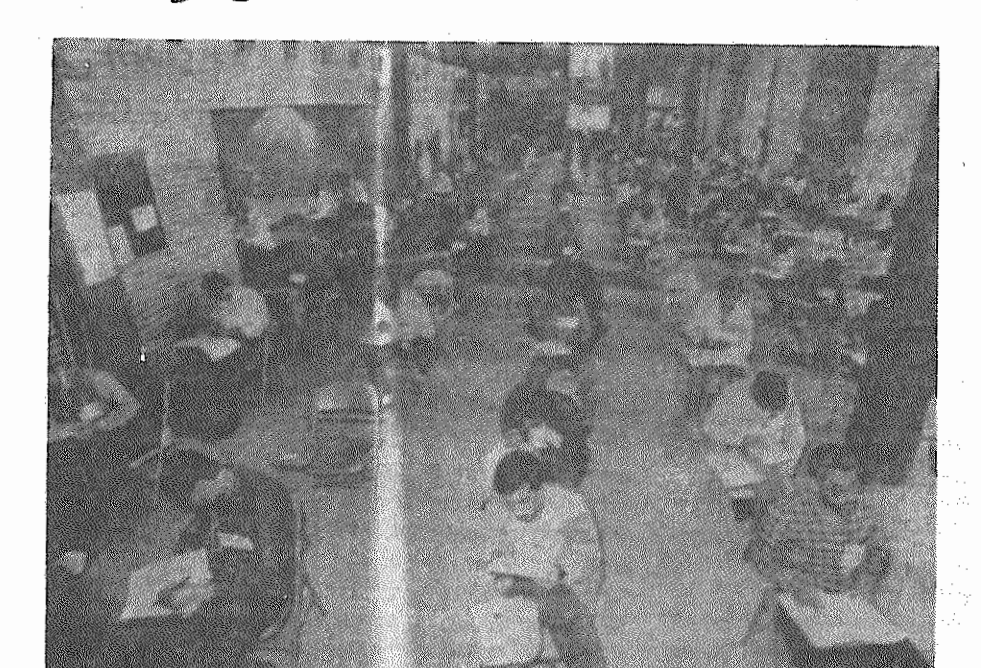
"جاء" و "المادی" و ... حل خواهد شد؟ رسالت همچنین پیشاپیش سنگر بندی لازم را برای مقابله با تعدید احتمالی آتی از جانب احمد خمینی فراهم آورده و فراتر از این، حریف را متقابلاً به تخطئه "نظرات صریح امام" متهم کرده است. رسالت در پاسخ‌اش آورده است: "فرض کنیم در آن نامه امام امت به صاحب امتیاز روزنامه (آذری قمی) از باب نصح تذکراتی فرموده باشند، سپس با استناد به نامه دیگری از خمینی به آذری قمی چنین ادامه داده‌اند: "و چند روز بعد هم ... مرتوم فرموده باشند: شما از چهره‌های فاضل و مبارز و دل سوخته انقلاب هستید..." آخر الامر هم رسالت به جناح حریف تاخته است که "چرا بر خلاف نظرات صریح امام راحلمان چنین اتهامات زشتی را وارد می‌کنید؟"

پیدا است که میراث پر تناقض خمینی گری را از کار هیجیک از طرفین در مواجهه علیه دیگری نگشاید. پس دست اندرکاران

بر این که جاهلین "اندیشه‌ها و مواضع امام" مجازات شوند قابل توجه است. همچنین دعوت نویسندگان نامه از احمد خمینی برای آن که نامه خمینی را در اختیار مجلس بگذارد، در واقع دعوتی است از او تا در این کشمکش فزاینده نقش صریحتر و فعالتری ایفا کند. بنظر می‌رسد تصمیم احمد خمینی در ایام اخیر برای این که از میدان کشمکش‌ها پاپس کشد و در پشت صحنه عمل کند چندان مطلوب نویسندگان نامه نبوده است. به واقع هم در مقابله بین جناح‌های حکومتی که امروزه وسعت و حدت خاصی یافته و هر صدهای مختلفی را در بر گرفته است جناح "تندرو" جدا نیازمند پشتیبانی با مهر و نشان "یادگار امام" است.

پس از درج نامه اعتراضی ۱۴۳ نماینده، پاسخ رسالت انتشار یافت. رسالت در پاسخ خود به سیاست شلاق و شیرینی در قبال جناح مقابل متوسل شده است. چپاولی که زیر پوشش این و آن بیناد توسط دولتمردان و همه جناح‌های حکومت اسلامی، صورت گرفته است طبعا خارج از دایره عمل و اطلاع رسالت نیست. رسالت در نوشته پیشین خود به "چند نفری" از نمایندگان مجلس تاخته بود. نمایندگان "جناح تندرو" هم که به روشنی می‌دیدند آماج کلام رسالت تنها چند نفر نیستند به تمییه نامه اعتراضی دست زدند و رسالت نیز که این "روشن بینی" را دریافته در پاسخ‌اش آورده است: "این موضع گیری شتاب زده مجلس را زیر سوال می‌برد چرا که مردم از خود می‌پرسند چه اتفاقی افتاده است؟ آیا وقتی سخن از "جاء" و یا "المادی" می‌رود به زهم آقایان به همه مجلس تاجم شده است؟" نیز از همین روست که در پاسخ رسالت در رابطه با درخواست نمایندگان از احمد خمینی می‌خوانیم: "آیا فکر می‌کنید با افشای چنین نامه‌ای مشکل دست اندرکاران بنیاد

کنکور ۸۰ هزار نفری دانشگاهها بر گزار شد



در جستجوی آینده خود سر بر گه از موم فرود آورده‌اند، تنها معدودی از اینان به دانشگاهها راه خواهند یافت. امکانات بسیار محدود است و نیمی از امکانات پذیرش در دانشگاهها نیز به نور چشمی‌های رژیم اختصاص دارد. شانس هر یک از شرکت کنندگان در کنکور کمتر از ۶ درصد است. بقیه به صف بیکاران و دیگر جوانان مبهم آینده خواهند پیوست.

از کلمات قصار "یادگار امام"

احمد خمینی که پدرش تا وقتی زنده بود نمی‌گذشت زیاد بلبل زبانی کند و با حماقت بی مثالش آبروی اسلام و مسلمین را برود، گویا باورشی شده که امت همیشه در صحنه، هر لحظه برای رهنمودهای مشعشع او بی‌تابی می‌کند و هر از چندی، اظهار نظرهای جالبی از خود بروز می‌دهد. از جمله: "ما باید به مردم بگوئیم تا چند سال آینده از ارزانی خبری نیست و وعده‌های کاذب به آنها ندیمیم." (دیدار ۶ اردیبهشت با مصلحان و پرسنل ارتش) "باید به مردم بگوئیم که جنگ با آمریکا سخت است." (همانجا) "مساله مبارزه با آمریکا جدی است." (بر سرگور پدرش، ۱۳ اردیبهشت) "اگر برای شما کارگران ما امروز به بهترین وجه و وسایل رفاهی را فراهم کنیم اما نقش دشمنان شمارا روشن نکنیم تا بدانید که دشمن اصلی شما کیست و چیست، چه حکومت و دولتی است مطمئن باشید برای دین و دنیای شما کاری نکرده‌ایم." (در روز کارگر) "امروز که بوش و میتران برای هیدنظر اعلامیه می‌دهند، ما می‌دانیم چرا، برای اینکه امام حکومت اسلامی بپاکرده که روبروی شرق و غرب ایستاده است و آنها مقابل امام ایستاده‌اند." (باز هم بر سرگور پدرش، ۱۲ اردیبهشت)

فراخوان نشریه اکثریت

چه انتظاری از کنگره داریم، با چه هدنی به کنگره می‌رویم؟

نخستین کنگره سازمان در پیش است. اکثر نمایندگان برگزیده شده‌اند و اکنون به وظایفی می‌انديشند که اراده انتخاب‌کنندگان آن‌ها بر همدشان گذاشته است.

چه انتظاری از کنگره داریم و با چه هدنی به کنگره می‌رویم؟ این‌ها پرسش‌هایی است که ذهن همه رفقای را که به نحوی در تدارک کنگره شرکت داشته‌اند، به خود مشغول داشته است. نشریه اکثریت هم‌این رفقا، اهم از انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شدگان را فرامی‌خواند به‌طور فشرده پاسخ‌های خود به این پرسش‌ها را به نشانی نشریه ارسال دارند تا در صفحه‌ای که به عنوان تریبون عمومی تدارک کنگره در نشریه گشوده می‌شود، چاپ شود.

تاکید می‌کنیم که پاسخ‌ها باید فشرده باشد تا ناچار نشویم برای استفاده برابر همگان از این تریبون نوشته‌ها را خلاصه کنیم. پیش‌بینی ما این است که در هر شماره یک صفحه را به تریبون کنگره اختصاص دهیم و در آن سه الی چهار پاسخ را درج کنیم. این فراخوان شامل اعضای رهبری سازمان نیز هست. برای ما انگیزه و هدف خود از شرکت در تدارک و برگزاری کنگره و انتظار خود از آن را بنویسید.

دیباچه

م. سرشک (شفیعی کدکنی)

بخوان به نام گل سرخ، در صحاری شب،
که باغها همه بیدار و بارور گردند.
بخوان، دوباره بخوان، تا کیوتران سپید
به آشیانه خونین دوباره برگردند.

بخوان به نام گل سرخ، در رواق سکوت،
که موج و اوج طنینش ز دشتها گذرد؛

پیام روشن باران،

زیام نیلی شب،
که رهگذار نسیمش به هرکرانه برد.

زخشکسال چه ترسی؟ - که سد بسی بستند:
نه در برابر آب،
که در برابر نور
و در برابر آواز و در برابر شور...

در این زمانه عسرت،
به شاعران زمان برگ رخستی دادند
که از معاشقه سرو و قمری و لاله
سرودها بسرایند ژرفتر از خواب،
زلالت از آب.

تو خامشی، که بخواند؟

تو می‌روی، که بماند؟
که بر نهالك بی برگ ما ترانه بخواند؟

از این کریوه به دور،

در آن کرانه، ببین:
بهار آمده، از سیم خاردار گذشته.
حریق شعله گوگردی بنفشه چه زیباست!

هزار آینه جاری‌ست.

هزار آینه
اینک
به همسرانی قلب تو می‌تپد باشوق.

زمین تهی‌ست ز زندان؛

همین توئی تنها
که عاشقانه‌ترین نغمه‌ها دوباره بخوانی.
بخوان به نام گل سرخ و عاشقانه بخوان:
«حدیث عشق بیان‌کن بدان زبان که تودانی.»

دلجویی خامنه‌ای از نویسنده مقاله

«مذاکره مستقیم»

مهاجرانی می‌گوید:
«برادر گرامی آقای عطاالله
مهاجرانی
شنتیدم بعضی‌ها از حرفهای
امروز من قصد طعن و توهین
نسبت به جنابهای استنباط
کرده‌اند و شاید بعضی خواسته‌اند
یا بخواهند آن را مستمسکی برای
اهانت به شما بسازند. اعلام می‌کنم
که این استنباط قلم است. من یک
فکر را تخطئه کرده‌ام و نیت
توهین به کسی نداشته‌ام و اگر
بدون اراده من به شما توهین شده
است از شما هذر می‌خواهم. من
شماره‌ها سال است به صدق و صفا و

عطاالله مهاجرانی، معاون
رفسنجانی و نویسنده مقاله
«مذاکره مستقیم» در روزنامه
اطلاعات که به دلیل اظهار نظر
صریح به جانبداری از گفتگوی
مستقیم با آمریکا مورد حمله
شدید افراطیون دستگاه حکومت
قرار گرفته بود، توانست پس از
مخالفت خامنه‌ای با «مذاکره
مستقیم» در سخنرانی ۱۲
اردیبهشت رهبر رژیم، از
دلجویی ولایت فقیه بهره‌مند
شود. خامنه‌ای در نامه‌ای که متن
دست‌نوشته آن را روزنامه‌ها
کلیشه کرده‌اند خطاب به



باردیگر "طرح ضربتی مبارزه با بیسوادی"

پتیه از صفحه اول

شکست طرح را اعلام کردند. سال ۶۶ بار دیگر طرح جدیدی اعلام شد. مقامات رژیم بار دیگر اصرار ورزیدند که مردم باور کنند که آنها کلید حل این مشکل را یافته‌اند و آنها با طرح ضربتی دیگر بر اساس «تبلیغ و تشویق» شده‌اند و این در حالی است که مشکل بیسوادی را حل خواهند کرد و مدتی بعد باز هم اعلام شکست. سال ۶۳ طرح «ضربتی» آموزش فردبفرد به مورد اجرا درآمد.

سال ۶۵ طرح منطقه‌ای کردن مبارزه با بیسوادی دنبال شد و نتیجه: باز هم هدم موفقیت. سال ۶۷ نهضت سوادآموزی با انتقاد از ارگانها و سازمانهای دولتی خواستار برخورد جدی با معضل بیسوادی شد. طرح از مجلس به مجمع تشخیص مصلحت برده شده و سپس مجمع تشخیص مصلحت طرح اجباری سوادآموزی را مورد بحث و بررسی قرار داد و از آنجا که حل این بلیه اجتماعی یک «ضرورت فوری» در نزد آقایان مجمع تشخیص مصلحت تشخیص داده شد، مصلحت نظام را در آن دیده شد که این طرح دو سال در مجمع مورد «شور و مشورت» قرار گیرد. و حال در سال ۶۹ از زبان رئیس جمهور «حق به جانب طرح ضربتی سوادآموزی» با استفاده از شیوه‌ها و امرمهای

۲۴ ساعت بستری بدون پزشک و سرانجام، مرگ...

مهم‌سرم را که هفت ماهه باردار بود، برای معاینه به بخش زنان بیمارستان... اردبیل بردم، در همان روز ۶۹/۱/۸ قرار بر این شد که پس از انجام آزمایشهای لازم و همچنین جهت کنترل فشار خون در همان بخش بستری شود، اما متأسفانه پس از ۲۴ ساعت بستری حتی یکبار هم پزشک از وی معیادت نکرد، به طوری که وضع جسمانی هم‌سرم ساعت به ساعت رو به وخامت گذاشت. زمانی که پرستار وضع وخیم بیمار را به وسیله تلفن به

پزشک اطلاع داد، پزشک دستور تزریق چند آمپول را داد. بالاخره روز بعد بیمار بدرود حیات گفت. شایان توجه است بدانید که در آن روز هیچ پزشکی در آن بیمارستان حضور نداشت تا بداد هم‌سرو فرزندم برسد. از آنجا که از اینگونه اخبار بارها و بارها به چاپ رسیده و لسی نمی‌دانم چرا باز هم باید شاهد وقوع چنین حوادث ناگواری باشیم؟

به امید رسیدگی و پیگیری سازمان نظام پزشکی. امین گنج

درباره اشاره شاملو

به موسیقی

سنتی ایران

در شماره ۳۰۳ «اکثریت» مقاله‌ای با عنوان «دمکراسی این آقایان» چاپ شده بود. نویسنده، در ادامه مقاله مزبور، مطلبی از آنگساز و نوازنده معروف، محمدرضا لطفی را همراه با مقدمه‌ای برایمان ارسال داشته است که در زیر به درج آن می‌پردازیم:

در دو شماره پیش، از این قلم، به سفراتی هفتم آوریل احمد شاملو در دانشگاه برکلی کالیفرنیا آمریکا اشاره شد. در آن مقاله به برخورد تند و خشن برخی از مدافعین سلطنت که نظرات احمد شاملو را مقابله‌اندیشه‌های خود می‌دانستند انتقاد شده بود. نیز بر این نکته تأکید شده بود که هدف مقاله «به هیچ وجه تأیید همه گفته‌ها و چگونگی برخورد احمد شاملو» در سخنرانی مورد نظر نیست. هدف آن مقاله، به نقد کشیدن رویارویی خشنی بود که به جای برخورد مستدل با نظریات شاملو صورت گرفته بود. مقاله چنین تصریح داشت: «تأسف انگیز است که منتقدین به جای بحث مستدل با شاملو و نقد مدال ایده‌های او، خود او را با طرح مسایلی نظیر این که او پیر شده، آسیب دیده، در تضاد معیوب شده و غیره مورد حمله قرار دادند و سعی کردند که با ترور شخصیت او ایده‌های او را از سر راه بردارند.»

احمد شاملو در حاشیه موضوع سخنرانی خود، مطالبی نیز ایراد کرده که لازم است بدان پرداخته شود: پس از سخنرانی هفتم آوریل، در جلسه پرسش و پاسخ، شاملو در جواب پرسشی که از او در رابطه با موسیقی سنتی ایران شده بود سخنانی گفته، که چه به لحاظ شکل و چه از نظر محتوای آنها، مورد اعتراض موسیقی دانان و علاقه‌مندان موسیقی سنتی ایران قرار گرفته است.

از جمله کسانی که به گفته‌های شاملو در این زمینه اعتراض کرده‌اند، آنگساز و نوازنده سرشناس تار و سه تار، محمدرضا لطفی است. از آنجا که به نظر نگارنده، شیوه برخورد آقای لطفی با این مسئله، مستدل و کارشناسانه است، و نیز از آنجا که امروز بحث بر سر تحول موسیقی سنتی ایران به طور جدی مطرح است، همین مقاله‌ای که با امضای ایشان در شماره ۲۷ ماهنامه پُر از انتشارات بنیاد فرهنگی پُر درج گردیده است، ارائه می‌شود.

طهارت می‌شناسم و مطمئنم جز دلسوزی و خیر خواهی نظری نداشته‌اید. شما همچنان برادر خوب من هستید و حداکثر آنست که به توصیه شما در مقاله «مذاکره مستقیم» عمل نخواهیم کرد.»

متقابلاً، مهاجرانی نامه تشکر آمیزی به خامنه‌ای نوشت و بدون کوچکترین اشاره‌ای به موضوع کشمکش‌ها، مراتب «ارادت و احترام» خود را به رهبر رژیم اعلام داشت.

موضع‌گیری ملایم خامنه‌ای علیه نظرات مهاجرانی و معتاداً دلجویی از او، به حملات شدید علیه معاون رفسنجانی خاتمه داد. واکنش‌های تند علیه مهاجرانی از این قبیل بود: «این رژیم‌های شوم و وابسته را از مردمانی از پشت هر

هنوایی که باشد به لطف خداوند خفه خواهیم نمود.» (انجمن اسلامی دانشگاه تهران)

«این مقال حلقه زنجیره یک جریانی است که از ابتدای پیروزی انقلاب همچون آفتی در نظام نفوذ کرده است... و ملت ایران زمره شوم و مشمئزکننده آن را... (جمله فعل ندارد) در اینگونه مطالب لکه ننگی است... که با آب زمره هم پاک نمی‌شود و امت و امام (ره) این جریان فکری را نمی‌بخشد و از نظر مردم فاقد اعتبار است و لو توبه کند.» (محتشمی، کیهان ۱۹ دیبهرشت)

«نغمه شوم مذاکره مستقیم با آمریکا... فاجعه بزرگی است که در جهت هموار ساختن زمینه سازش با آمریکا سر داده می‌شود... آیا بعضی‌ها خیال



زهر درد

محمد رضا لطفی

«موسیقی سنتی ایران پیشرفتی نکرده، پیش درآمدی اجرا می‌شود، یک نفر می‌آید عرو می‌کند و آخرش هم رنگی می‌زند و تمام می‌شود.»

از سخنان شاعر نامی معاصر ایران، احمد شاملو در جلسه پرسش و پاسخی در دانشگاه برکلی - کالیفرنیا

هنگامی که شنیدم احمد شاملو هنرمند معاصر ایران به آمریکا خواهد آمد، خوشحال شدم. دوستانم نیز خواستند برای دیدارش به سانفرانسیسکو بروم. اما متأسفانه همزمانی برنامه ایشان با برنامه‌های از پیش تعیین شده من موجب شد تا این موقعیت خوب را از دست بدهم. پس از پایان کنفرانسی که ایشان در آن شرکت داشتند مطلع شدم که ایشان در پاسخ پرسش کنشده‌ای در مورد موسیقی سنتی ایران سخنانی ناسنجیده و بی ادبانه بر زبان آورده‌اند که جای تأسف است. این پاسخ و همچنین مصاحبه‌ای از ایشان در مجله آدینه چاپ تهران، مرا بر آن داشت تا در این زمینه نکاتی لازم را به گفتگو بگذارم، تا آقای شاملو متوجه شوند در امری که تخصص و مطالعه‌ای ندارند حرف غیر مسؤلاته نزنند و یا اگر می‌خواهند چیزی بگویند، به احترام موسیقی و موسیقیدانان از کلمات شاعرانه‌تری برای بیان مفاهیم ذهنیشان استفاده کنند، و مردم ما بدانند که شاعر توانایشان ادب و نزاکت را مراعات می‌کند و هنوز در میان ما آیین مهر نمرده است.

از روزگاران بسیار قدیم رابطه شعر و موسیقی آن‌چنان به هم پیوسته بوده است که امروزه در تحقیقات «اتنوموزیکولوژی» یا موسیقی شناسی اقوام و ملتها، این دو عنصر را

زیر عنوان «اصل موسیقی» در حالت ادغام شده آن بصورت یک واحد فرهنگی نظم بندی می‌کنند. این شکل ترکیبی یکی از اصول قدیمی موسیقی یونان و ایران باستان بوده است و هنوز به گونه‌های مختلف در پاره‌ای کشورهای آسیایی بکار گرفته می‌شود.

شعر و موسیقی بویژه در شرق آن‌چنان درهم تنیده شده است که تفکیک آن کاری بس دشوار است. گذشته از «خسروانی» های باربد که در قالبهای هجایی سه پاره سروده و نواخته می‌شده، و باز گذشته از سراینده‌گانی چون رودکی، شاعران نامداری همچون حافظ و مولوی آن‌چنان عنصر بوی موسیقی را در درون اوزان شعریشان نشانده‌اند که بسیاری از صاحب نظران را بر این اندیشه و می‌دارد که آنان نه تنها شاعر بلکه موسیقیدان نیز بوده‌اند. یکی از ویژگیهای شعر مولانا که

سروده‌هایش را از دیگران جدا می‌کند استفاده گسترده از موسیقی کلام است. نیاز سماع به همراهی موسیقی، مولانا با بر آن داشت که بعد موسیقایی اشعار را تا حد ایده‌آل بالا ببرد. استفاده موسیقیدانان از شعر و بخصوص بکار گرفتن استادان اشعار بوسیله خوانندگان - که آقای شاملو از عرو و آنان سخن می‌گوید - موجب شد تا مفاهیم فلسفی و عرفانی و تشبیهات و کنایات شاعرانه در میان مردم رسوخ یابد و نفوذ کند. از آنجا که در طول تاریخ ما توده مردم ما از خوانندگی نوشتن بهره‌ای نداشتند، تنها شنیدن پیام شاعران در قالبهای موسیقی بوده است که موجب ایجاد رابطه میان شاعران و مردم گشته است. امروزه نیز هنوز این سنت یکی از نیریزندترین عناصر هنری ماست.

اما این که چگونه این سنت، با همه کاربرد مطلوبش، در رابطه با شاعران نوپرداز نتوانسته جایگاه مطلوب خود را بیابد و با آن درآمیزد، و تنها در مورد معدودی از شاعران معاصر اندک سامانی یافته است، پرسش درخور توجهی است. تلاش برای یافتن پاسخی در این زمینه احیاناً می‌تواند جستجوی حلقه مفقوده‌ای باشد، و این همان چیزی است که می‌تواند در نهایت آقای شاملو هم اندیشانش را وادار به تفکر و تمیق بیشتری کند.

می‌دانیم که شعر بوسیله نیما یوشیج صورتبندی هنری پیدا کرد. بوسیله شاگرد پیش یا بهتر بگوییم پیروانش، تمام یافت. در ابتدای امر که نیما یوشیج قالبهای کلاسیک را برای بیان مفاهیم اجتماعی عصر خود تنگ و دست و پاگیر شناخت و رسالت شکن آنرا را بر عهده گرفت، عنصر اصلی و موسیقایی شعر یعنی وزن را همچنان حفظ کرد. بدین ترتیب موسیقی کلام و وزن همچنان ارزشها و پیوندهای سنتی خود را حفظ کردند و بر این پایه بود که در آن زمان توانست بر توده‌های مردم تأثیر بگذارد. کشتی احزاب سوسیالیستی برای بهره‌گیری از این بستر هنری برای طرح مسائل اجتماعی شرایط نسبه مساعدی برای رشد شعر نو فراهم آورد. اما اشکال کار در این جا بود که هیچ گاه شعر نو نتوانست از دایره محدود روشنفکری خود فراتر

رود و راهی به توده‌های میلیونی پیدا کند. در این مرحله کاربرد شعر نیمایی بیشتر در زمینه‌های اجتماعی - سیاسی بود، ولی با این همه رابطه آن با شعر کلاسیک ایران نگسته بود زیرا آنچه بر آن «اوزان نیمایی» نام نهادند ریشه دز سنت داشت. بیشتر اشعار آقای شاملو قبل از سال ۳۲ و حتی چند سالی پس از آن این گفته را تأیید می‌کند، چون عمیقاً زیر تأثیر اوزان نیمایی است. اما تفاوت عمده‌ای که موسیقی کلام او را از سروده‌های نیما جدا می‌کند تأثیر موسیقی غربی بر یافت کلمات شعر است. شاملو خود در مصاحبه‌ای تقریباً چنین می‌گوید که من هنگامی شعر گفتن را آغاز کردم که شعر کلاسیک ایرانی را نمی‌شناختم و بیشتر با اشعار اروپایی آشنا بودم. بعدها به مطالعه شعر کلاسیک پرداختم.

با وجود تفاوت زیادی که میان موسیقی اشعار نیما و شاملو وجود دارد - تفاوتی که برای آهنگسازان مدرن موسیقی سنتی کاملاً مشهود است - می‌توان پاره‌ای از اشعار شاملو را که در آنها از اوزان نیمایی بهره گرفته شده، در موسیقی ایرانی پیاده کرد. اما با تغییر فضای سیاسی و نزدیکی بیشتر ایران با غرب، شاعرانی همچون احمد شاملو چارچوب اوزان نیمایی را رها کردند و دوبست خود را در چارچوب شعر اروپایی و

امریکایی لاتین قرار دادند. از این نقطه اشعار آنان دیگر فراز و فرود زبان موسیقایی فارسی را از دست داد. لژ این مرحله، ترجمه آثار شاعرانی چون گارسیا لورگا بوسیله شاملو آن‌چنان بر تار و پود وجود او چیره می‌شود، که در بسیاری موارد تشخیص سروده‌های خود او با ترجمه‌هایش از آثار لورکا بسیار دشوار است.

نگارنده بارها و بارها برای استفاده از شعر ایشان کوشیده‌ام، اما موسیقی کلام آن، چنان از پستی و بلندی زبان فارسی و موسیقی نهفته در آن بدور افتاده که یافتن ضرب مناسب موسیقی در آن غیر ممکن است. شاید به همین دلیل است که نوازندگان موسیقی پاپ بیشتر از شعر او استفاده می‌کنند. اما نکته در این است که هنری را که

کرده‌اند که بچه‌های امام می‌گذارند که آنها هر قطعی که خواستند انجام دهند؟» (هادی فقاری در جلسه ۱۱ اردیبهشت مجلس)

«روز پنجشنبه هفته گذشته روزنامه اطلاعات اقدام به درج مقاله‌ای تحت عنوان «مذاکره مستقیم» نمود. این مقاله دارای مضامینی به شدت ضد انقلابی تر و ضد خط امامی تر از مقاله سعیدی سیرجانی است... نویسنده این مقاله روی همه لیبرالها و ضد انقلابیون و اخورده وطنی را سفید می‌کند. این ذلت‌نامه هر چند در نوع خود بی نظیر و برای همه غیر منتظره و به شدت ناراحت کننده بود ولی چندان بی سابقه هم نیست... این مقاله نه از یک نویسنده طاقتی منزوی، بلکه به

سامی دیویس در گذشت

صبح روز چهارشنبه ۱۶ ماه مه، سامی دیویس، در بوری هیلز، در بازی مرگ و زندگی، مغلوب سرطان شد و دیده بر جهان فرو بست. وی که هنگام مرگ ۶۴ سال داشت، هم‌هنری خود را از سه سالگی آغاز نموده بود. سامی دیویس در هنگام مرگ تنها ۳۷ کیلو وزن داشت.

هنرمند شهیر سیاه پوست با یک چشم شیشه‌ای و بینی شکسته (نتیجه درگیری‌های متعدد با سربازان سفیدپوست) به مدت ۶ دهه بر صحنه هادر خشید.



باران من بیاید
با دردهایتان
و زهر دردتان را
در زخم قلب من بچکانید
احمد شاملو

از برنامه

حزب سوسیالیسم دموکراتیک (آلمان شرقی)

در شماره گذشته، بخش نخست برنامه "حزب سوسیالیسم دموکراتیک" آلمان شرقی را که از تغییر نام و ایجاد تحول در حزب حاکم پیشین این کشور تشکیل شد، درج کردیم. ادامه برنامه، با فصل دوم

۲- راههای پیشرفت در جامعه ما

اقتصاد بازار و آرمانهای اجتماعی

حزب سوسیالیسم دموکراتیک از اقتصاد بازار جانبداری نمی‌کند زیرا اینگونه اقتصاد امکان پیشرفت سریع علمی-فنی و بازدهی بالای اقتصادی را فراهم می‌آورد. از این رو، اقتصاد بازار، ابزار تعیین کننده در تشویق بازده بالا، ارضای موثر نیازهای تولیدکنندگان و مصرف کنندگان و برآوردن ضرورت‌های فزاینده اجتماعی است. بدین مفهوم، اقتصاد بازاری که متوجه تامین رفاه جامعه و هر فرد باشد، با نظام ارزشهای سوسیالیستی در تضاد نیست. اقتصاد بازار، باید اقتصادی دارای هدفمندی مشخص اجتماعی و اکولوژیک، تشویق کننده و پاداش دهنده کار و یاری رسان به ابتکار اقتصادی از هر طریق باشد. تنظیم بازار باید به سود رفاه جامعه ما و نسل‌های آتی، با هدایت استراتژیک اقتصاد توسط دولت تکمیل گردد. کل این روند باید تحت کنترل دموکراتیک انکار هجومی قرار گیرد.

ما به عنوان حزبی که نسبت به امنیت اجتماعی، و به ویژه منافع زحمتکشان احساس تعهد می‌کند، خواهان آنچنان طرحی برای اقتصاد بازار هستیم که: -تایید کار دهها ساله مردم ما را بر باد ندهد و در آن، مالکیت اجتماعی نیز و نه مملکتی به حساب آید؛ -اشکال متنوع مالکیت بر ابزار تولید را تحقق ببخشد و به آنها امکانات برابر در مسابقه بدهد؛ -به هر فرد امکان دهد سطح زندگی خود و نیز موقعیت حرفه‌ای و اجتماعی خویش را از طریق کار، خودتعیین کند؛ -در آن، حق کار، مصرح در قانون اساسی، تامین شود؛

نسبت به شیوه تولید و زندگی فیر محل محیط زیست متعهد باشد و هدف نو سازی اکولوژیک جامعه را فراروی خود قرار دهد. ما خواهان آن هستیم که مالکیت دولتی موجود از طریق کنترل واقعی تولیدکنندگان بر ابزار و حاصل تولید، به مالکیت واقعی مردمی تبدیل شود. کارکنان باید از طریق سهم شدن در سود و سایر طرق، در ثمرات اقتصادی موسسات دینفع گردند. حزب، خواهان گشایش اقتصاد جمهوری دموکراتیک آلمان (ج. د. آ.) به روی اقتصاد جهانی، و برابر حقوقی در همکاری اقتصادی بین المللی است. ما از یک حوزه واحد اقتصادی در اروپا و نوسازی بنیادین و دموکراتیزه کردن شورای همپاری اقتصادی (کمون) جانبداری می‌کنیم.

دمکراسی در تولید

بمثابه و زنه ایجادکننده تعادل

دموکراتیک کردن اقتصاد بازار، مستلزم دفاع مستقل زحمتکشان از منافع اجتماعی و اقتصادی خود از طریق اتحادیه‌های آزاد، مستقل و نیرومند است که باید در موسسات و کارگاههای همه اشکال مالکیت، پایگاه داشته باشند. دموکراتیزه کردن همه جانبه جامعه دمکراسی واقعی در تولید را ضروری می‌سازد. حزب، خواهان آن است که نمایندگان کارکنان در امور کارگاهها، در امور اقتصادی و اجتماعی از طریق انتخاب آزاد و دموکراتیک برگزیده شوند. حزب، از تشکیل ارگانهای دموکراتیک نمایندگان کارکنان و کارفرمایان در موسساتی که با سرمایه خارجی اداره می‌شوند، جانبداری می‌کند. این شوراهای نظارت، باید از نمایندگان منتخب زحمتکشان، مدیران، سرمایه‌گذاران و نیز نمایندگان محلی دولتی و کارشناسان تشکیل شوند و نفوذ کارکنان در تصمیمات استراتژیک را تامین نمایند.

زحمتکشان و همه شهروندان کشور ما باید در تصمیم‌گیری پیرامون همه مسائل سیاست اجتماعی و رفاهی مشارکت واقعی داشته باشند. در شرایط اقتصاد بازار، باید شبکه تامین حقوقی و اجتماعی گسترش یابد. از این طریق باید برای بازنشستگان و نیز کسانی که به هلت کبر سن، نقص

ضرورت‌های بسیار مبرم عدالت اجتماعی اند. حق کار طبق قانون اساسی باید به ویژه زنان را مورد حمایت قرار دهد. برای کار مساوی، باید مزد مساوی پرداخت گردد...

۱- حمایت و کمک به اقلیت‌های ملی، فرهنگی و مذهبی به مثابه بخش تفکیک ناپذیر حقوق بشر و حقوق شهروندان...

۱۱- حمایت و کمک به فعالیت کلیسا و جوامع مذهبی، برابر حقوقی کامل مذاهب و آزادی پیروی از آنها بر مبنای جدایی دولت و کلیسا. مالز و رای مواضع و سنت‌های متفاوت ایدئولوژیک، با روح چندگرایی و تحمل، بدنبال تحقق مسئولیت مشترک با کلیسا و مومنان در قبال صلح، امنیت اجتماعی و حفظ محیط زیست طبیعی هستیم.

۱۲- روابط احترام‌آمیز و مبتنی بر همبستگی با شهروندان خارجی، همکاری شهروندان خارجی که در کشور ما زندگی و کار می‌کنند مستلزم احترام متقابل و تعاون اجتماعی است و امکان فنی‌سازی متقابل فرهنگی را فراهم می‌آورد. حزب، به روشنی با اجنبی ستیزی خلط و مرز می‌کشد و خواهان آنگونه روابطی با شهروندان خارجی است که مانع تبعیض اجتماعی و فرهنگی و انزوای آنها شود و امکان ادا مقام اجتماعی را فراهم آورد.

دولت مبتنی بر قانون و تفکیک قوا

دمکراسی برای ما هدفی بنیادی، ارزشی مستقل و شرط اجتناب ناپذیر برای اداره جامعه است. هدف ما، کیفیت عالی‌تری از دمکراسی است که در آن، دمکراسی پارلمانی، دمکراسی اقتصادی و نیز خودگردانی محلی، پیوند تنگاتنگ یابند. ما مخالف هر شکلی از دولت و دستگاه مراقبت و سرکوب هستیم. ما می‌خواهیم به ساختمان یک دولت دموکراتیک مبتنی بر قانون کمک کنیم. دولتی که بر حقوق بنیادین همه جانبه، تصریح شده در قانون و قابل پیگیری در محاکم، برای شهروندان استوار باشد. هر شهروند باید اجازه هر کاری را که قانون منع نکند داشته باشد. در مقابل، دولت تنها مجاز به انجام اقداماتی است که قانون مقرر می‌دارد.

خواستهای مادر این هر سه از این قرار است:

- حاکمیت مردم، دمکراسی همه جانبه و دولت مدرن مبتنی بر قانون،

- اختیارات نامحدود برای ارگانهای منتخب مردم که به مثابه عالی‌ترین نهادها، قدرت، از انتخابات همومی، آزاد، برابر، مستقیم و مخفی برآمده باشند. مسائل دارای اهمیت حیاتی برای مردم باید به رای همه مردم گذاشته شوند. اکثریت تشکیل دهنده دولت و اپوزیسیون، اجزای مکمل دمکراسی پارلمانی اند. اقلیت‌های سیاسی باید بتوانند از منافع خود دفاع کنند؛

- تفکیک قوای مقننه، مجریه و قضاییه. ما خواهان به رسمیت شناختن "قوه چهارم"، یعنی افکار همومی و رسانه‌های گروهی هستیم. هلیت، شامل هلیت همه روندهای مهم تصمیم‌گیری‌های دولتی و اجتماعی و اشکال متنوع کنترل اجتماعی است؛

- پلورالیسم سیاسی احزاب، سازمانها، اتحادیه‌ها و جنبش‌ها و تامین تاثیر گذاری آنها بر روندهای تصمیم‌گیری دولتی؛

- خودگردانی محلی و خودمختاری در تقسیم بندی‌های منطقه‌ای به مثابه پایه جامعه دموکراتیک؛ - شکلی از دستگاه اداری که با احیای مجدد ساختارهای ایالتی همراه باشد تا تقویت خودمختاری، هدم تمرکز و کار پرراندن این دستگاه‌ها و نیز احساس یگانگی مردم با واقعیات منطقه‌ای که در طول تاریخ شکل گرفته‌اند، تحقق یابد؛

- اشکال متنوع اعمال اراده دموکراتیک و مشارکت دموکراتیک از پایین به بالا، که باید در اقتصاد، دولت و جامعه، از انحصار قدرت جلوگیری کند؛

- ممنوعیت نفوفاشیسم، نژادپرستی،

سامی ستیزی، شووینیسیم و تبلیغ برای جنگ؛

- چشم‌پوشی از اعمال قهر در مبارزه سیاسی. انحصار دولتی در کاربرد قهر باید مشمول مقررات قانونی شود و تحت کنترل دموکراتیک قرار گیرد؛

- بحث متمدانه و سازنده سیاسی که به پیشرفت اجتماعی کمک کند. ما با آنگونه تفکر درباره رقابت سیاسی که در جهت حذف دگراندیشان باشد، مخالفیم؛

- حفظ خودگردانی پایه‌های دموکراتیک و جنبش‌های توده‌ای و تصریح حق موجودیت آنها در قانون اساسی...

۳- اروپا و مردم آلمان در جهان نو شونده

هدف ما، یک اروپای متحد و فیر نظامی همراه با تنوع ملی، اجتماعی، فرهنگی و منطقه‌ای است. اگر بخواهیم ثبات این قاره، چشم‌انداز صلح و همکاری در آن، منافع ملت‌ها و دولت‌ها در اروپا و خارج از آن و منافع ملی مردم آلمان در هر دو دولت آلمانی مورد تعدید قرار نگیرد، باید محل مسئله آلمان در چارچوب یک روند سراسری اروپایی در خدمت چنین روندی باشد و در برابر آن مانع قرار ندهد.

ح. س. د. خواهان وحدت مسالمت‌آمیز و دموکراتیک خلق آلمان در چارچوب اتحاد آزادانه و برابر حقوق خلق‌ها و ملت‌های اروپاست. درباره ساختار دولتی آینده آلمان، واحد، باید از طریق تعیین سرنویشت مردم آلمان توسط خود آنها، مذاکرات برابر حقوق میان دو دولت، حفظ حقوق و مسئولیت‌های چهار قدرت پیروز در جنگ جهانی دوم، اهلیمیان همسایگان آلمان، به ویژه لهستان و چکسلواکی، از مرزهای پایدار و نیز در رابطه با وحدت اروپا، تصمیم‌گیری شود.

تفاوت‌های همیق اجتماعی و اقتصادی، دو طرف را در برابر ضروریات متفاوتی در زمینه سیاست وحدت، در زمینه برقراری اتحاد پولی، اقتصادی و اجتماعی و انطباق یافتن سیستم‌های حقوقی قرار می‌دهد. این تفاوت‌ها می‌طلبد که هر دولت، حاکمیت مستقل خود را فعلا نه نمایندگی کند تا ارزش‌های هر دو طرف بتوانند در وحدت نوین بازتاب یابند. هرگونه دامن زدن به احساسات ملی، تکروری‌های خود محورانه مردم آلمان و یا شوونیسم جدید آلمانی، متضمن خطرات فیر قابل کنترلی نه تنها برای مردم ما، که برای همه خلقهای اروپا و جهان است...

هر دو دولت باید تغییر یابند

در ج. د. آ. باید گسست از نوع اداری-متمرکز سوسیالیسم تا به آخر ادامه یابد و منجر به شکل‌گیری یک دمکراسی واقعی شهروندان، اخلاقی نوین انساندوستانه و آنگونه اقتصاد بازار شود که نسبه به منافع اجتماعی و اکولوژیک مردم متعهد باشد و نخست از یک دوره نزولی توام با فقیر شدن بسیاری از مردم، نگذرد. جمهوری فدرال آلمان نباید نظام سیاسی و پارلمانی کنونی خود را به ج. د. آ. تحمیل کند. هواملی که در آلمان غربی به ضرر وحدت ملت آلمان و زندگی مسالمت‌آمیز مشترک با همسایگان در خانه مشترک اروپایی تاثیر می‌گذارد، از این قرارداد: مجتمع‌های نیرومند نظامی-صنعتی، زندگی از قبل خلقهای کشورهای رشد یابنده، انزوای اجتماعی بخش‌های همده‌ای از مردم، بیکاری، عقب‌نشینی در برابر افزایش گری راست، ناسیونالیسم و هدم تحمل ملی و هدم شناسایی خط‌اودر سنایسه بعنوان مرز فیری لهستان.

...اموالی که مردم ج. د. آ. طی دهها سال کار بدست آورده‌اند، و نیز حقوق بهره‌برداری از اموال که به آنها واگذار شده است، باید از تعرض مصون باشد. بعنوان نمونه، باید در وحدت دو دولت آلمان، اصلاحات ارضی و نتایج آن و بدین ترتیب مناسبات حقوقی در روستاها و حقوق مالکیت ارگانهای محلی دولتی بر اراضی مصادره شده و واحدهای مسکونی به رسمیت شناخته شود. باید صرف‌نظر از مناسبات قبلی مالکیت، اعتبار قرار دادهای استفاده و اجاره و نیز مناسبات موجود مالکیت در کارخانه‌ها تضمین شود...

ح. س. د. وظیفه ویژه خود می‌داند که به مثابه بخشی از چپ اروپایی عمل کند، با همه نیروهای چپ روابط تنگاتنگ برقرار سازد و از این طریق به روندهای ترقیخواهانه در اروپایاری رساند...

ما اتحاد ج. د. آ. و اتحاد شوروی را شرط تعیین کننده‌ای برای موجودیت و رشد ج. د. آ. و هاملی در جهت ثبات اروپا طی دوره متحول کنونی می‌دانیم. ما بر همبستگی و حمایت خود از نوسازی مترقی و دموکراتیک جوامع اتحاد شوروی و سایر کشورها تاکید می‌کنیم. مناسبات تنگاتنگ و دوستانه میان حزب کمونیست اتحاد شوروی و ح. س. د. در خدمت این هدف است...



این برنامه در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۹۰ تصویب شده است.

توضیح:

در شماره ۳۰۳ نشریه اکثریت در ستون "از میان نامه‌ها" که به درج نامه‌های رسیده اختصاص دارد بخشی از یک نامه دریافتی با امضا پروا درج شده بود که اخباری از ایران و شهر هامبورگ آلمان فدرال را شامل می‌شد. انتشارات پروا در شهر هامبورگ با نشریه تماس گرفته و از ما خواسته است قید کنیم نامه مذکور توسط این انتشارات برای "اکثریت" سال نشده است.



ناشی از انتخابات همومی، شورامارا

بمنابه تنها نمایندگی واقعی توده کارگران قرار داده اند. اما با تحت فشار قرار دادن زندگی سیاسی در مجموع کشور، حیات شوراهای نیز لاجرم هر چه بیشتر فلج خواهد شد. بدون انتخابات همومی، آزادی مطبوعات و جمعيات، آزادی نبرد عقاید زنده در هر نهاد همومی خواهد مرد و به شبه زندگی بدل خواهد شد که در آن فقط بوروکراسی عنصر فعال باقی خواهد ماند. زندگی هلنی بتدریج به خواب می رود، مشتکی رهبران حزبی با انرژی خستگی ناپذیر و آرمانگرایی دستورالعمل صادر کرده و حکومت می کنند. زیر نظر آن ها در واقع یک دوجین مغزهای عالی اداره گونه و دسته قلیلی از کارگران گاه به گاه به اجتهاهاتی فراخوانده می شوند تا برای سخنان رهبران دست بزنند و قطعنامه های از پیش تعیین شده را به اتفاق آرا تصویب کنند. در واقع یک اقتصاد کلان و البته یک دیکتاتوری، اما نه دیکتاتوری پرولتاریا، بلکه دیکتاتوری تعداد قلیلی سیاستمدار، یعنی دیکتاتوری ای مطابق روحیه کاملاً بورژوازی و حکومت ژاکوبینی. از آنهم بدتر: چنین شرایطی جبراً منجر به توحش در جامعه خواهد شد؛ سوء قصدها، تیرباران گروگان ها و قیریه. این یک قانون هینی قدر قدرتی است که هیچ حزبی قادر به گریز از آن نیست.

تراژدی حقیقی روزا لوکزامبورگ نه در چگونگی مرگش بلکه در آن نهفته است که او هلیرقم شهرت بی کرائش ناشناخته ماند. لوکزامبورگ به وسیله دهمنان خود به قتل رسید اما به وسیله دوستانش به فراموشی سپرده شد. "دوستانی" که تز "اقتضایات لوکزامبورگیانیم" را به میان آوردند. آنها طاهرا برای او احترام قائل بوده، سالگردهای او را پاس داشته و خیابانها و کشتیها را به نام او نامگذاری می کردند. اما این نوع از جاودانه کردن، شخصیت زبایی او را در خود پنهان داشت. اما میراث ادبی و ایدئولوژیک روزا لوکزامبورگ از هر چیز مهمتر است. او مباحثه گری قوی و منقدی پیرامون انقلاب روسیه نوشته می خوانید:

دیکتاتوری و دموکراسی

روزا لوکزامبورگ

کار آیی خود را از دست خواهد داد. پیش شرط مستور در تقویری دیکتاتوری لنین و تروتسکی آن است که انقلاب سوسیالیستی پدیده ای است که یک دستورالعمل حاضر و آماده برای آن در جیب حزب انقلابی قرار ندارد و فقط کانی است با قدرت محقق شود. اما متاسفانه - و یا خوشبختانه - چنین نیست. تحقق همی سوسیالیسم بعنوان یک سیستم اقتصادی - اجتماعی و حقوقی ابداً نه جمع دستورالعمل های حاضر و آماده بلکه موضوعی است که کاملاً درمه ناپیدای آینده قرار دارد. خود بلشویک ها اگر منصفانه قضاوت کنند انکار نخواهند کرد که آنها باید قدم به قدم امتحان، تلاش، تحقیق و پی در پی آزمایش می کردند و نیز اینکه بخش قابل توجهی از تدابیرشان نمایشگر طلای ناب نبوده است.

یکی از مهمترین مسائل هر انقلابی مبارزه علیه لومپن پرولتاریا است. اما در این ارتباط نیز ترور، یک شمشیر برقی و دو لبه است. دادگاه صراحتی سخت و سخت در برابر موج اوباشگری لومپن پرولتاریا ناتوان است. به هر گونه سیادت طولانی در موقعیت جنگی که به محدودیت آزادیهای سیاسی منجر شود بطور اجتناب ناپذیر به استبداد منجر می گردد و هرگونه استبدادی اثری تباہ کننده بر جامعه می گذارد.

اما مسئله به مجمع قانون گذار و قانون انتخابات ختم نمی شود بلکه لغو مهمترین ضمانتهای یک زندگی سالم هلنی و فعالیت سیاسی توده های زحمتکش یعنی آزادی مطبوعات، احزاب و جمع نیز در میان است. این یک واقعیت آشکار و غیر قابل تردید است که بدون یک مطبوعات آزاد و پلامانع و بدون حیات احزاب و جمعيات، سیادت توده های وسیع خلق به کلی غیر قابل تصور است. لنین می گوید: "دولت بورژوازی یک وسیله سرکوب طبقه کارگر است و دولت سوسیالیستی وسیله سرکوب بورژوازی. می توان گفت که دولت اخیر همان دولت سرمایه داری است که بروی سر ایستاده است." این درک ساده شده، یک سری نکات مهم را نادیده می گیرد: سیادت طبقاتی بورژوازی به تعلیم و تربیت سیاسی مجموعه توده خلق حداقل فراتر از مرزی همین و محدود نیازی ندارد. برای دیکتاتوری پرولتاریا این تعلیم و تربیت یک عنصر حیاتی است که بدون آن قادر به زندگی نخواهد بود. تروتسکی می گوید: "به لطف مبارزه آشکار و بی واسطه بر سر قدرت دولتی..."

شکست پرولتاریای آلمان و اشغال روسیه به وسیله امپریالیسم آلمان است. توقع بی معنایی خواهد بود اگر از لنین و رفقایش خواسته شود در چنین شرایطی زیباترین نمونه ترین دیکتاتوری پرولتاریا و یک اقتصاد سوسیالیستی شکوفا شهبده کنند. خطر از آنجا آغاز می شود که چاره ناپذیری فضیلت شود و سیاست ناشی از این شرایط استفاک را به همه اجزای آن تعمیم دهند و به پرولتاریای بین الملل به مثابه نمونه سیاست سوسیالیستی برای تقلید توصیه نمایند. آن ها در صورتی که بخواهند تمام کجی هائی را که تحت شرایط جبر و چاره ناپذیری در روسیه، که در تحلیل نهائی انعکاس ورشکستگی انترناسیونال سوسیالیستی در این جنگ بوده است، به عنوان احکام نوین ثبت کنند خدمت بدی به سوسیالیسم جهانی، که بخاطر آن اینقدر مبارزه کرده و رنج کشیدند، کرده اند و به این ترتیب دستاورد تاریخی واقعی و غیر قابل انکار خود را کاملاً بی جهت در سایه قرار داده اند.

قدرت سیاسی را فتح کند تا این پوسته را با مضمون اجتماعی نوینی پر نماید. وظیفه تاریخی پرولتاریا این است که پس از کسب قدرت بجای دموکراسی بورژوازی، دموکراسی سوسیالیستی را بوجود آورد نه آنکه هر نوع دموکراسی را لغو کند. اما دموکراسی سوسیالیستی تازه در کشوری معین، که زیربنای اقتصادی سوسیالیستی در آن ایجاد شده است، به عنوان یک هدیه کریسمس حاضر و آماده برای مردمی سربراه که تا قبل از آن وفادارانه مشتکی دیکتاتور سوسیالیست را حمایت می کردند، آغاز نمی شود. دموکراسی سوسیالیستی همزمان با برچیدن سیادت طبقاتی و استقرار سوسیالیسم آغاز می شود. این دموکراسی از لحظه فتح قدرت بوسیله حزب سوسیالیستی آغاز می شود. این دموکراسی چیزی نیست مگر دیکتاتوری پرولتاریا. بله: دیکتاتوری! اما این دیکتاتوری در شکل کاربرد دموکراسی موجودیت دارد و نه در القای آن. تحول سوسیالیستی بدون جراحی امتیازات به دست آمده در جامعه بورژوازی و نیز روابط اقتصادی این جامعه قابل تحقق نیست. اما دیکتاتوری مزبور باید امر طبقه و نه یک اقلیت کوچک رهبر به نام طبقه باشد یعنی باید قدم به قدم از مشارکت فعال توده ها پدید آید، تحت تاثیر بدون واسطه آن ها قرار گیرد، زیر کنترل مجموعه افکار همومی باشد و از آموزش سیاسی رشد یابنده. توده های خلق برخیزد.

اشتباه اساسی تئوری تروتسکی - لنین آن است که درست به مانند کائوتسکی دیکتاتوری را در مقابل دموکراسی می نهند. چه در نزد بلشویک ها و چه در نزد کائوتسکی سوال عبارت است از: "دیکتاتوری یا دموکراسی؟" کائوتسکی البته دموکراسی، اما دموکراسی بورژوازی را انتخاب می کند و آن را به مثابه آلترناتیو انقلاب سوسیالیستی قرار می دهد. لنین و تروتسکی بر عکس دیکتاتوری را در تضاد با دموکراسی و به این ترتیب دیکتاتوری یک مشت افراد، یعنی دیکتاتوری بورژوازی را انتخاب می کنند. آن دو، دو قطب متضاد هستند که هر دو به یکسان از سیاست واقعی سوسیالیستی فاصله دارند. پرولتاریا می تواند و باید تدابیر فوری سوسیالیستی در پرتو لنین، پی گیرترین و بی امان ترین شکل اتخاذ نماید، یعنی اعمال دیکتاتوری کند، اما دیکتاتوری طبقه، نه دیکتاتوری یک حزب یا یک کلان. دیکتاتوری طبقه یعنی در گسترده ترین هلنیت، تحت فعال ترین مشارکت بدون محدودیت توده های خلق دریک دموکراسی نامحدود. تروتسکی می گوید: "ما به عنوان مارکسیست هرگز پرستشگران دموکراسی صوری نبوده ایم." کاملاً درست است، ما هرگز پرستشگران دموکراسی یا مارکسیسم هم نبوده ایم. تروتسکی و لنین انکار زنده این مسئله اند. اینکه می گوئیم هرگز پرستشگر دموکراسی صوری نبوده ایم به معنای آن است که همواره هسته اجتماعی دموکراسی بورژوازی را از شکل سیاسی آن تمیز می دهیم. اما همواره هسته تلخ نابرابری اجتماعی و عدم آزادی را در زیر پوسته شیرین برابری و آزادی صوری افشامی کنیم - نه برای آنکه این نوع آزادی را از بین ببریم بلکه برای آنکه طبقه کارگر را بر آن داریم با این پوسته اقطاع نشود و

با این حال باید در سیاست بلشویک ها عمده را از فیرسده، هسته را از تصادف تمیز داد. در این مرحله مبارزه سرنوشت ساز، حادثه ترین مسئله زمان همانا توانائی عمل پرولتاریا و توده ها و بطور کلی خواست و اراده برقراری قدرت سوسیالیستی است. در این رابطه لنین و تروتسکی به همراه رفقایشان اولین کسانی بودند که به پرولتاریای جهانی یک نمونه نشان دادند، آن ها تا امروز هنوز اولین کسانی هستند که با افتخار می توانند بگویند: من جرات آن را داشتم!

مشکلات فیرطبیعی هم پیوند با آن قرار نداشتند، دقیقاً همینطور پیش می رفتند. برهان این امر کاربرد وسیع ترور، بخصوص از هنگام سو قصد به فرستاده آلمان درست در آخرین مرحله از هم پاشی امپریالیسم آلمان، توسط حکومت شوراهاست. استدلال اینکه در انقلاب حلوا بی مایه است. بسیار ضعیف و هر آنچه در روسیه اتفاق می افتد قابل درک است و نتیجه یک سری هلت و معلول هائیست که نقطه آغاز و سنگ بنایشان

تحول معنوی تمام هیار توده هائیست که تحت سیادت طبقاتی صد هاساله بورژوازی تحقیر شده اند. احساسات اجتماعی بجای احساس خود خواهی؛ ابتکار توده ای بجای سکون؛ آرمانگرایی ای که بر همه رنج ها غلبه می کند و قیریه. هیچکس این را بهتر از لنین نمی داند، موثرتر از او توصیف نمی کند و سرسخنه تراژو تکرار نمی نماید. اما اکنون او به وسایل نادرست متوسل شده است. فرمان، قدرت دیکتاتور منشا نه ناظر کارخانه، جرایم سخت و سخت، حکومت وحشت همه مسکن هستند. تنها راه زایش دوباره، خود مکتب زندگی هلنی، وسیعترین دموکراسی نامحدود و افکار همومی است. این حکومت وحشت است که نامنجاری ها را پدید می آورد. اگر همه این ها حذف شود در واقع چه می ماند؟ لنین و تروتسکی بجای ارگان های نمایندگی

از جنبه منفی، یعنی ویران

آزادی فقط برای هواداران حکومت و اعضای حزب - هرچقدر هم که تعداد کثیری باشند - آزادی نیست. آزادی همواره به معنای آزادی دگراندیشان است. و این نه بخاطر آن است که نسبت به "هدالت" تعصب خرج داده باشیم بلکه برای آنکه هر آنچه که در آزادی سیاسی جانبخش و شفا دهنده و پدید آورنده پاکیزگی است به همان ویژگی بستگی دارد و اگر "آزادی" به امتیاز بدل شود

مترجم: مزدک

نخستین علائم گشایش در آلبانی



دو زن اهل آلبانی سبزی‌هایی را که برای فروش آورده‌اند مخفی می‌کنند. مردم در آلبانی اجازه فروش محصولات کشاورزی را، که خود تولید کرده‌اند، ندارند.

انتخابات در رومانی

در روز یکشنبه ۲۰ ماه مه مردم رومانی برای انتخاب رئیس‌جمهور این کشور به پای صندوق‌های رای رفتند. نتیجه این انتخابات را در شماره آینده گزارش خواهیم کرد. یون ایلیسکو، رئیس شورای موقت "جبهه رهایی بخش ملی" که با سرنگونی چائوشسکو قدرت را در

این کشور به دست گرفت، محتمل‌ترین برنده انتخابات محسوب می‌شود. در آستانه انتخابات، رومانی شاهد تظاهرات گسترده مخالفان دولت موقت بود. آن‌ها به مدت چندین هفته، میدانی در برابر دانشگاه بوخارست را در اشغال خود داشتند. چند نوبت تلاش برای انجام مذاکراتی میان نمایندگان شرکت‌کنندگان در تظاهرات به همت هدم توافق در مورد شرایط جانبی این گفتگوها نافرجام ماند.

مخالفان، دولت موقت را متهم به ایجاد شرایط نابرابر برای رقابتی انتخاباتی می‌کنند. افزایش‌ترین جناح‌های اپوزیسیون خواستار منجوبت شرکت اعضای سابق حزب کمونیست رومانی، از جمله ایلیسکو، در انتخابات شدند. در شهرهای مختلف، درگیری‌هایی میان طرفداران دولت و اپوزیسیون رخ داد. در اپوزیسیون، تحریم انتخابات مورد بحث قرار داشت.

کو تلو و سارگین آزاد شدند

در هفته گذشته خبر یافتیم که رفقا حیدر کوتلو و نیهات سارگین رهبران حزب کمونیست متحدترکیه که بیش از دو سال در زندانهای رژیم ترکیه بسر می‌بردند طی حکمی از سوی دادگاه امنیت دولتی آنکارا آزاد شده‌اند.

خاطر نشان می‌شود دستگیری کوتلو و سارگین در ماه نوامبر سال ۸۷ پس از بازگشت داوطلبانه آنان به میهنشان برای شرکت در بازسازی دموکراتیک حیات سیاسی ترکیه و قانونی ساختن فعالیت حزب صورت گرفت و از آن زمان تاکنون آنان زیر شدیدترین فشارهای روحی و جسمی رژیم ترکیه قرار داشته‌اند.

تصمیم به آزادی رهبران حزب کمونیست ترکیه که در زیر فشار محافل دموکراتیک و مترقی این کشور و جهان صورت گرفت، پس از سی‌دومین نشست دادگاه امنیت دولتی ترکیه به اطلاع افکار عمومی رسید. هیات رئیسه این دادگاه همت اتخاذ تصمیم را در دستور بحث بودن منع مجازات بخاطر اعتقادات سیاسی و نیز برخورد مثبت اجزایی که در مجلس ملی اعظم ترکیه نماینده دارند، عنوان کرد. از زمان دستگیری رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه تاکنون، بسیاری از نیروها و سازمانهای سیاسی این کشور خواهان آزادی این دو تن و لغو سریع آن ماده‌ای از قانون جزائی ترکیه شده‌اند که فعالیت و تبلیغ کمونیستی را ممنوع اعلام کرده است.



به دهوت چندگروه چپ، هزاران تن طی تظاهراتی در فرانکفورت خواستار توقف روند وحدت دو آلمان شدند. این تظاهرات با درگیری شرکت‌کنندگان با پلیس به خشونت گرایید. تصاویر صحنه‌هایی از درگیری‌ها را نشان می‌دهند.

اینک، رامن آلیا جانشین انور خوجه می‌گوید کشورش در سیاست خارجی همواره واقع بین بوده است و هیچگونه احترام بی‌مبارگانه‌ای از دولت‌های بزرگ نداشته است. مذاکرات با اتحاد شوروی در جریان است و قرار است در ماه ژوئن سناتور ادوارد کندی نخستین سیاستمداری باشد که از آلبانی دیدار می‌کند.

رامن آلیا همچنین از بازار مشترک اروپا به مثابه "واقعیت مورد پذیرش جهان" نام برد و خاطر نشان کرد آلبانی از این پس در کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا شرکت خواهد کرد. نشانه‌هایی حاکی از لغو ممنوعیت تبلیغات و مراسم همومی مذهبی موجود است. همچنین مردم آلبانی از این پس امکان خواهند یافت تقاضای صدور گذرنامه کنند. عبور غیر قانونی از مرز، در نظام کتبی آلبانی دیگر مانند گذشته "جنایت" محسوب نمی‌شود، بلکه تنها "جرم" به شمار می‌آید.

با این حال، رهبر آلبانی تاکید کرد آنچه در کشورش در جریان است، "ادامه تکامل مناسبات تولیدی" و "تعمیق دموکراسی سوسیالیستی" است. وی گفت در آلبانی روندی مانند سایر کشورهای اروپای شرقی به وقوع نخواهد پیوست، بلکه این کشور در "دوره جدیدی از شور انقلابی" قرار گرفته است.

اخیرا خاویر پرز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد برای نخستین بار از آلبانی دیدار کرد. در جریان این دیدار، رامن آلیا رهبر آلبانی تاکید کرد که کشورش بطور قطعی و "غیر قابل بازگشت" راه اصلاحات را در پیش گرفته است. وی افزود مناسبات خارجی آلبانی گسترش خواهد یافت. عادل جارجانی، نخست‌وزیر این کشور گفت اصلاحاتی که در هفته نخست ماه مه آغاز شده است، ادامه می‌یابد. بدین ترتیب، پنج سال پس از مرگ انور خوجه، رهبری که کیش شخصیت او هنوز بر آلبانی حاکم است، نخستین علائم نوبی گشایش در سیاست داخلی و خارجی "جمهوری سوسیالیستی خلق آلبانی" دیده می‌شود.

در پلنوم کمیته مرکزی حزب حاکم کار آلبانی که چندی پیش برگزار شد، رامن آلیا دبیر کل حزب اظهار داشت آلبانی در جستجوی طرح‌های نوین در سیاست خارجی، داخلی و اقتصادی است. قرار است به زودی آلبانی با آمریکا و شوروی روابط دیپلماتیک برقرار کند. پس از جنگ جهانی دوم، آلبانی و ایالات متحده روابط دیپلماتیک نداشته‌اند. روابط تیرانا و مسکو در سال ۱۹۶۱ با جانبداری انور خوجه از چین قطع شد. این تیرگی روابط همچنین با خروج آلبانی از پیمان ورشو همراه بود.

دیدار حسنی مبارک از مسکو

اخبار کوتاه جهان

در دیدار هفته گذشته مبارک از مسکو، موضوعات مختلفی در دستور مذاکرات قرار داشت. از جمله طرفین در مورد مهاجرت یهودیان شوروی به اسرائیل گفتگو کردند. برخی نیروهای افراطی در دنیای عرب، و نیز جمهوری اسلامی ایران، خواستار آنند که مسکو از مهاجرت یهودیان به اسرائیل ممانعت کند. اما مصر در این مورد موضع متعادل تری دارد. عصمت عبدالحمید، وزیر خارجه دولت مبارک، گفت کشورش از اتحاد شوروی نمی‌خواهد که حق مهاجرت را که از حقوق ابتدایی بشر است، محدود نماید، بلکه خواهان آن است که دولت گارانتی از همه ابزارهای سیاسی و دیپلماتیک برای جلوگیری از اسکان یهودیان شوروی در مناطق اشغالی کرانه قریب رود اردن، نوار غزه و شرق بیت‌المقدس استفاده کند. وزیر خارجه مصر افزود موافقت شوروی با این درخواست به مصر امکان خواهد داد در جهت اتخاذ مواضع میانه‌رو در اجلاس سران عرب اقدام کند. قرار است اجلاس سران عرب به زودی در بغداد برگزار شود.

هفته گذشته، برای نخستین بار پس از ۱۸ سال، یک رئیس‌جمهور مصر از اتحاد شوروی دیدار کرد. حسنی مبارک که در سال‌های دهه ۵۰ و ۶۰ به‌عنوان افسر خلبان در اتحاد شوروی تحصیل کرده است، با سفر خود به مسکو، نقطه پایانی بر تیرگی مناسبات دو کشور گذاشت. در آوریل سال ۱۹۷۲، انور سادات آخرین سفر خود را به مسکو انجام داد و تنها سه ماه بعد، ۱۷ هزار مستشار نظامی شوروی را از مصر اخراج کرد. با این اقدام، فاصله گرفتن مصر از مهم‌ترین متحد خود تا آن زمان آغاز شد و قاهره بطور فزاینده‌ای در حیطه نفوذ سیاست آمریکا قرار گرفت. در سپتامبر ۱۹۸۱، مصر روابط خود را با اتحاد شوروی قطع کرد. تنها یک ماه بعد، سادات قربانی همان بنیادگرایی شد که در مبارزه با کمونیسم و ناصریسم به‌عنوان متحدان خود، تقویت شان کرده بود. در سال ۱۹۸۴، روابط قاهره و مسکو دوباره برقرار شد. در سال ۱۹۸۷، قرارداد میان دو کشور درباره تعویق بازپرداخت بدهی‌های نظامی مصر به امضا رسید.

پراگ: تظاهرات علیه حزب کمونیست

مصادره و آرشو حزب منتشر شود. واسلا هاول، رئیس‌جمهور چکسلواکی در شامگاه ۱۱ مه با حضور در محل اعتصاب غذا، با خواست‌های شرکت‌کنندگان در آن اعلام همبستگی کرد. طبق نظر خواهی‌هایی که در آستانه انتخابات پارلمانی چکسلواکی انجام گرفته است، حزب کمونیست در این انتخابات به ۱۰ الی ۱۲ درصد آرا دست خواهد یافت. "مجمع شهروندان" که توسط هاول، رئیس‌جمهور فعلی بنیانگذاری شده است، ۲۲ درصد آرا و ائتلاف دموکرات مسیحی ۱۵ درصد آرا را کسب خواهند کرد.

ممنوعیت شرکت آن در انتخابات ۸ ژوئن شدند. از دیگر خواست‌های تظاهرات، پیگرد مسئولان سرکوب طی چهل سال حکومت حزب کمونیست بود. فراخوان به تظاهرات از سوی "جمعیت زندانیان سیاسی"، "کلوپ غیر حزبی‌های فعال" و "بلوک آزاد"، ائتلافی از احزاب راست‌گرا، صورت گرفت. تظاهرکنندگان از اعتصاب غذای ۲۰ نفر در میدان مرکزی پراگ که از ششم ماه مه آغاز شد، حمایت کردند. این ۲۰ نفر خواستار آن شده‌اند که اموال حزب کمونیست چکسلواکی

در روز ۱۲ ماه مه، ده‌هزار نفر در تظاهراتی در پراگ علیه حزب کمونیست چکسلواکی شرکت کردند. این تظاهرات از سوی رسانه‌های قریب به عنوان بزرگترین گردمایی در این کشور پس از پایان حکومت کمونیست‌ها اعلام شد. شرکت‌کنندگان در میتینگ ۱۲ مه پراگ، در شعارهای خود خواهان اعلام حزب کمونیست به‌عنوان حزبی مخالف قانون اساسی و

پارلمان مجارستان با ۳۳۹ رای مثبت در برابر ۳۱ رای منفی، "اراپاد گونچتس"، از اتحاد دموکرات‌های آزاد و حزب دموکراتیک لیبرال - سوسیال، را به ریاست مجلس و ریاست جمهوری موقت این کشور برگزید. گونچتس، پس از انجام اصلاحاتی که در قانون اساسی مجارستان صورت خواهد گرفت، رسماً به این مقام تشریفاتی منصوب خواهد شد. با این انتخاب، وی دومین نویسنده‌ای است که بدنبال هاول به ریاست جمهوری یک کشور اروپای شرقی برگزیده شده است.

AKSARIYAT NO. 305 MONDAY 21 May 1990	
اکثریت نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور	
آدرس: RUZDEM POSTFACH 1810 5100 AACHEN W. GERMANY	حساب بانکی: M.ABD NR. 435263011 37050198 Stadtparkasse Köln W. GERMANY